

موفقیت لابی قومی ارمنی در ایالات متحده امریکا- هنتر س. گرگ

۲۰۰۸ ربماسد ۵ - ۱۳۸۷ رذآ ۱۵ (عمرج) نوگیئی

1

هنتر س. گرگ²
(Heather S. Gregg)

سهند، کرال یورد
انلشن، چنلی یورد
Elshen.guneyli@gmail.com
www.oyrenci.com

چکیده

پایان جنگ سرد بحثهای سیاسی و آکادمیک عمده‌ای در مورد راستا و اهداف سیاست خارجی ایالات متحده امریکا را موجب گردید. یکی از زوایای این مباحث بر روی نقش گروههای قومی در تاثیرگذاری بر سیاست خارجی و تعیین منافع ملی تمرکز کرده است. در این مباحث دو گروه (اردوگاه) گسترده قابل مشاهده است. گروه اول عنوان می‌دارد که لابی‌های قومی بسیار تاثیرگذارند و خطری برای سیاست خارجی و منافع ملی ایالات متحده محسوب می‌شوند (Schlesinger, Jr.: 1992; Huntington: 1997; Smith: 2000). گروه دوم این گروهها را تاحدودی تاثیر گذار می‌دانند اما آنها را بویژه در ارتقاء منافع ملی در سطح بین‌المللی بسیار مؤثر می‌بینند (Clough: 1992; Shain: 1999). هیچیک از این گروهها، علیرغم نتیجه‌گیری‌هایشان مطالعه موردی جدی و مهمی را جهت آزمون تاثیر گروههای لابی قومی در فرایند سیاست خارجی ایالات متحده و مشخص کردن چگونگی کسب تاثیر و نفوذ منسوب به آنها انجام نداده‌اند.

بطور ویژه در بین گروههای قومی ایالات متحده، ارمنی-امریکایی‌ها به موفقیت‌های قابل توجهی در کسب حمایت سیاسی و مادی از کنگره نائل آمده‌اند. این موفقیت‌ها شامل بالغ بر 90 میلیون دلار کمک سالانه برای کشور ارمنستان، حفظ بخش 907 لایحه حمایت از آزادی که از کمک امریکا به رقیب ارمنستان یعنی آذربایجان ممانعت می‌کند، ممانعت از فروش تسلیحات به ترکیه، و افزایش حمایت برای به رسمیت شناختن ژنوساید [ادعایی] ارمنه در سالهای 1915-1921 توسط مقامات رسمی دولت امریکا می‌شود.

این مطالعه موردی، در موضوع گروه لابی ارمنی در امریکا استدلال می‌کند که با تلاش شدید لابی‌گرایانه ارمنی-امریکایی‌ها در ایالات متحده مقدار زیادی از اهداف و حمایت‌ها برای ارمنستان و مسائل ارمنه به بهترین نحو تشریح شده‌اند. موفقیت در لابیگری این گروه کوچک قومی امریکا بطور عمده نتیجه دو فاکتور است: رقابت درون اجتماعی بین دو جناح درون جمعیت ارمنی-امریکایی، که باعث بسیج گسترده منابع این گروه قومی شده است، و تشکیل اتحادهای کلیدی در واشینگتن شامل اعضای کنگره و گروهها و سازمان‌های لابی.

مقدمه مترجمین

لابی‌ها یکی از مهمترین و در عین حال مرموزترین نیروهای تاثیرگذار و جهت‌دهنده سیاست خارجی و داخلی کشورها هستند. بخصوص با ایجاد دولت‌های مدرن و تاسیس نهاد پارلمان و گسترش نفوذ آنها بر تصمیم‌های سیاسی نقش گروههای لابی در سیاست افزایش یافته است. شاید مهمترین قدرت لابیگری در جهان شبکه لابی اسرائیل باشد. از زمانیکه خاندان یهودی روتچیلد با نفوذ در انگلیس، فرانسه، آلمان و... اولین موفقیت عمده لابی‌ها در عصر جدید را به صورت خزنده‌ای به اجرا گذاردند، سده‌ها می‌گذرد. هم‌اکنون بر همه آشکار شده است که اولین نخست‌وزیر انگلیس، و مهمترین آنها یا از این خاندان بودند یا با نفوذ آنها به قدرت رسیدند. اولین بانک‌های اروپایی با خلاقیت و تدبیر این خاندان ایجاد شدند و وقتی اروپا دچار جنگ‌های داخلی بود همه طرف‌های درگیر همزمان از آنها قرض گرفتند و به آنها مدیون ماندند. اما لابی و لابیگری در عصر جدید به یهودیان محدود نگردید بلکه بسیاری از جریان‌های اقتصادی، گروههای ملی-قومی و حتی مذهبی لابی‌های مختلفی حول مجالس و حکومت‌های کشورها تشکیل دادند. لابی ارمنی، لابی نفتی، لابی کرد و... اصطلاحاتی است که دیگر در ترمینولوژی سیاسی غریب نیستند. نفوذ لابی‌ها تنها به کشورهای اروپایی منحصر نمی‌شود بلکه در کشوری همانند ایران گروه چند هزار نفری ارمنی دارای قدرت و امتیازاتی است که میلیون‌ها تورک، کورد و... آرزوی رسیدن به درصدی از آنها دارند. حق نوشتن و خواندن به زبان ارمنی و تحصیل در سطح دانشگاه در حالی که بیش از نصف جمعیت ایران از

آن محروم هستند؛ آزادی در اجرای مراسم و مناسک مذهبی ارمنی در دهها کلیسا در سراسر کشور در حالی که تاکنون به میلیون ها سنی مذهب اجازه داشتن حتی یک مسجد در شهر تهران داده نشده است؛ حق تظاهرات سالپانه در خیابان های تهران با اسکورت و مراقبت ویژه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی در حالی که از 70 میلیون شهروند ایران کسی چنین امکانی ندارد؛ حق شعار برای ایجاد ارمنستان بزرگ در حالی که قسمت بزرگی از این سرزمین ادعایی در خاک های آذربایجان جنوبی واقع شده است؛ حمایت و میدان دادن به مدعیان هولوکاست ارمنی در حالی که رئیس جمهور ایران هولوکاست یهودی را انکار می کند؛ برگزاری المپیادهای ورزشی ویژه ارمنه جهان در ایران در حالی که هیچ گروه، طبقه، قومیت و ملیت دیگری فاقد چنین حقی است؛ آموزش های نظامی و تروریستی با حمایت مستقیم دولت ایران بویژه با پوشش باشگاه آارات در تهران و چندین شهر دیگر ایران؛ حمایت ویژه از ارمنستان در مقابل آذربایجان در بعد خارجی و...

شاید چنین پنداشته شود که چون ارمنه جمعیت خیلی هستند از اینرو حکومت ایران نسبت به آنها حساسیت و واهمه ندارد اما اگر این ادعا واقعیت داشته باشد چرا یهودیان، زرتشتیان، آشوریان، گرجی ها، زابلی ها و... که آنها نیز خطری برای کشور محسوب نمی شوند از این حقوق ویژه محروم هستند. جواب سوال در قدرت لابیگری ارمنه و نفوذ آنها در مراکز قدرت ایران نهفته است.

این مقاله با اهداف زیر ترجمه گردیده است:

- 1- قصد گشودن بحثی در باب لابی و لابیگری در حرکت ملی را داریم. به یقین شناخت این پدیده ما را در درک روابط داخلی و بین المللی یاری خواهد رساند.
- 2- امیدواریم خواننده بعد از مطالعه این مقاله از خود بپرسد چرا میلیون ها آذربایجانی داخل و خارج ایران تاکنون چنین نهاد مهمی را سازمان نداده اند؟ یعنی قصد داریم مدلی مهم را برای فعالین حرکت ملی ارائه دهیم.
- 3- در ماههای اخیر بحث های گسترده ای در مورد حل مسئله قاراباغ صورت گرفته است. به اعتقاد مترجمین حل شرافتمندانه مساله قاراباغ با اندازه ای برای تمام کشورها و جریان های منطقه و حتی بین المللی اهمیت دارد که آنها بصورت خودکار وارد جریان می شوند. برای مثال سفر عبدالله گول به ایروان، سپس سفر متکی به باکو، به موزات آن سفر گول به باکو، ارائه مدل های جدید صلح در قفقاز، تشدید تحرکات روسیه در منطقه، دیدار روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان و سرانجام جالب تر از همه اظهارات اوپاما در مورد حق استقلال ارمنه قاراباغ از آذربایجان، نرسیده به کاخ سفید، از پیچیدگی بحران قاراباغ حکایت دارد. معتقدیم که بسیاری از این تحرکات با تحرکات درونی لابی ارمنی همراه است. از اینرو شناخت جهان بینی و قدرت لابی ارمنی بینشی ارزشمند در مورد جریان های بین المللی و انگیزه حکومت ها برای حرکت ملی خواهد بخشید. بخصوص اینکه موضوع این مقاله درمورد نفوذ لابی ارمنی در واشینگتن می باشد، بنابراین انگیزه فردی همانند اوپاما از چنین اظهارات ارمنی پسندانه ای قابل درک خواهد بود.
- 4- امیدواریم با ارائه این مقاله ساختار اجتماعی و تاریخ یکی از مهمترین رقبا (اگر با خوش بینی آنها را دشمنان ملت آذربایجان و غاصبان و مدعیان سرزمینمان نام ننهیم) ملت آذربایجان مورد تدقیق و تحلیل قرار گیرد. امیدواریم به رقیب خود به عنوان گروه هدف نگاهی واقع بینانه داشته باشیم. در پایان از خواننده گرامی خواهشمندیم، مقاله را تا پایان و با حوصله مطالعه نماید و به سوالاتی که ما در چند سطر پیش در میان نهاده ایم جواب درخوری ارائه دهد.

www.oyrenci.com

1- مقدمه

در طول دهه اخیر گروههای لابی ارمنی در ایالات متحده به موفقیت های قابل توجهی در کسب حمایت های مادی و سیاسی از کنگره نائل شده اند. این موفقیت ها شامل بالغ بر 90 میلیون دلار کمک سالپانه برای کشور ارمنستان، حفظ بخش 907 لایحه حمایت از آزادی که از کمک امریکا به رقیب ارمنستان یعنی آذربایجان ممانعت می کند، ممانعت از فروش تسلیحات به ترکیه، و افزایش حمایت برای به رسمیت شناختن ژنوساید ارمنه در سالهای 1915-1921 توسط مقامات رسمی دولت امریکا می شود.

سطح حمایت کنگره از جمهوری ارمنستان و امورات ارمنه حیرت آور است. جمعیت ارمنه در ایالات متحده حدود 1 میلیون است و گرچه در ایالت های ماساچوست و کالیفرنیا متمرکز³ شده اند، تاثیر رای آنها نسبت به گروههای قومی دیگر محدودتر است. علاوه بر این منافع ملی امریکا در رابطه با منطقه قفقاز ایجاب می کند کشور ارمنستان در جهت اهداف منطقه ای به عنوان کشوری مهم تلقی نگردد. آذربایجان به عنوان کشوری که با ارمنستان قلمرو پرتنش و منازعه مرزی دارد، منابع نفت و گاز طبیعی و همچنین یک مسیر برای عبور این منابع به کشور ترکیه (کشوری با ناحیه ساحلی) را در دست دارد. ترکیه، دشمن تاریخی و کنونی ارمنستان عضو مهم منطقه ای ناتو و هم پیمان امریکا محسوب می شود. علاوه بر این ارمنستان

علیرغم موج اقدامات غیردموکراتیک، مانند بستن احزاب سیاسی، سانسور رسانه ای، و اشغال 10% از خاک آذربایجان علاوه بر منطقه اشغالی قاراباغ کمک های قابل توجهی از آمریکا دریافت کرده است.⁴ بنابراین استدلال در مورد اینکه آمریکا به خاطر پاداش برای اقدامات دموکراتیک و حقوق بشری ارمنستان از آنها حمایت می کند، دشوار خواهد بود. پس، چه چیزی درجه علاقه واشینگتن به آرامنه و امورات آرامنه را توضیح می دهد؟

این مقاله استدلال خواهد کرد که حجم گسترده حمایت ها و کمک ها به امورات آرامنه با تلاش های شدید لابیگری ارمنی-آمریکایی ها در ایالات متحده قابل توضیح است. موفقیت در لابیگری این گروه قومی کوچک بطور گسترده ای نتیجه دو فاکتور می باشد: اولاً، از طریق یک رقابت درون اجتماعی بین جمعیت ارمنی-آمریکایی که با دو گروه لابی در واشینگتن نمایندگی می شوند؛ کمیته ملی آرامنه آمریکا (ANCA) و انجمن آرامنه آمریکا (the Assembly)، که منجر به بسیج فوق العاده منابع این گروههای قومی شده است. رویکردهای مختلف این دو گروه موجب بسیج گسترده تر ارمنه نسبت به فعالیت یک گروه واحد شده و با تشدید حضور و اثرگذاری آرامنه در ایالات متحده موجب دوچندان شدن منابع و پروژه های حمایتی در مورد مسائل آرامنه شده است. ثانیاً، آرامنه اتحادیه های کلیدی ای در واشینگتن شامل اعضای کنگره و دیگر گروههای لابی و سازمانها، و سیستم دو حزبی «کمیته پارلمانی کنگره در امورات آرامنه مجلس» را تشکیل داده اند که به عنوان حامی و پشتوانه اهداف سیاسی آرامنه عمل می نمایند. در کل، بسیج گسترده و ایجاد اتحادیه امکان موفقیت قابل توجهی در نائل شدن به اهداف ویژه سیاسی به آرامنه داده است.

بخش اول این مقاله مروری بر ادبیات لابی های قومی در ایالات متحده خواهد داشت. در اینجا استدلال خواهد شد که برای آزمون فرضیه های ارائه شده توسط محققین در باب تاثیرگذاری استراتژی ها و دستاوردهای لابی های قومی در تاثیر گذاری بر سیاست خارجی آمریکا می بایست مطالعات موردی زیادی صورت پذیرد. بخش دوم تاریخ انشقاق در بین جامعه ارمنی-آمریکایی را دنبال خواهد کرد و تاریخ فعالیت سیاسی آرامنه در آمریکا را مشخص خواهد نمود. بخش سوم شکل گیری لابی قومی ارمنی، روشهای آنها و حمایت های آنها از ارمنی-آمریکایی ها، و اهداف سیاسی و استراتژی های دوگروه لابی ارمنی در آمریکا یعنی ANCA و انجمن (the Assembly) را تشریح خواهد نمود. بخش دوم نتایجی که این مطالعه موردی در مورد چگونگی تاثیرگذاری آرامنه بر سیاست خارجی پیشنهاد می کند را بطور کلی عنوان خواهد نمود.

2- ادبیات لابی قومی در آمریکا

پایان جنگ سرد بحثهای سیاسی و آکادمیک عمده ای در مورد راستا و اهداف سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را موجب گردید. یکی از زوایای این مباحث بر روی نقش گروههای قومی در تاثیرگذاری بر سیاست خارجی و تعیین منافع ملی تمرکز کرده است. در این مباحث دو گروه (اردوگاه) گسترده قابل مشاهده است. گروه اول عنوان می دارد که لابی های قومی بسیار تاثیرگذارند و خطری برای سیاست خارجی و منافع ملی ایالات متحده محسوب می شوند. گروه دوم لابی ها را تاحدودی تاثیر گذار می داند اما آنها را بویژه در ارتقاء منافع ملی در سطح بین المللی بسیار مؤثر می بیند. این بخش نشان خواهد داد که هر دو گروه فرضیه هایی را در مورد لابی قومی مطرح می نمایند اما هیچ مطالعه موردی عمیقی برای آزمون این ادعاها ارائه نمی کنند. بنابراین مطالعات موردی جدی بسیاری به منظور سنجش درجه تاثیرگذاری هر یک از لابی های قومی در متاثر ساختن سیاست خارجی و چگونگی کسب این تاثیرگذاری نیاز است.

اولین گروه در باب لابی های قومی بوسیله ساموئل هانتینگتون و آرتور اسلسینگر رهبری می شود که استدلال می کنند افزایش گروههای قومی در حوزه سیاست خارجی آمریکا در تفاوت های جمعیت آمریکا ریشه دارد و تهدیدی برای منافع ملی آمریکا محسوب می شود. هانتینگتون ادعا می کند که جنگ سرد مردم آمریکا را در مقابل دشمن همگانی یعنی شوروی متحد کرد. عبور از این دشمن جامعه آمریکا و دولتش را در وضعیت "از هم پاشیدگی" ملی قرار داد و در عوض به سوی این سوال سوق داد که چه چیزی می بایست منافع ما باشد.⁵ این حالت از هم پاشیدگی با مهاجرت های پس از جنگ سرد به آمریکا و برآمدن "تفکر چند فرهنگ گرایی" که "رد وجود یک فرهنگ عام در آمریکا، محکومیت استحاله و آسیملاسیون، و ترویج تقدم هویت های نژادی، قومی پایین تر از ملی" را طرفداری می نمود مستحکم تر گردید.⁶ خیزش لابی قومی در ایالات متحده پیامد این تغییرات ملی و داخلی بود. گرچه هانتینگتون تصدیق می کند که منافع لابی های قومی می توانند با منافع ملی منطبق گردند، اما او همچنین معتقد است که آنها "معمولاً هزینه هایی در مورد منافع گسترده تر و روابط آمریکا با هم پیمانان قدیمی اش را تعقیب می نمایند."⁷ از اینرو لابی قومی تهدیدی در مورد اهداف سیاست خارجی آمریکا و مفصل بندی منافع ملی تحمیل می کند. این دیدگاه بوسیله آرتور اسلسینگر تکرار شده است.⁸

تونی اسمیت از اختلافات زیادی که همچنان باقی مانده اند به عنوان هشدار در مورد لابی های قومی یاد می کند. اسمیت بمانند هانتینگتون و اسلسینگر معتقد است که تاثیر لابی قومی بر تصمیم سازی

سیاست خارجی آمریکا قابل توجه است و تاثیر منفی آنها بر منافع ملی احتمالا بسیار بیشتر از تاثیر مثبت شان است.⁹ اما، اسمیت تنها به ترکیب قومی آمریکا نمی نگرد بلکه ساختار سیستم سیاسی آنرا برای توضیح اینکه چگونه لابی قومی توان تاثیرگذاری را در واشینگتن به چنگ می آورد مد نظر قرار می دهد. اسمیت بحث می کند که "ساختار سیستم سیاسی آمریکا، به مانند یک نیروی اجتماعی متعصب، اهمیت گروههای قومی در نحوه شکل گیری سیاست خارجی آمریکا را تشریح می کند."¹⁰ اسمیت سه روشی که لابی ها توانایی تاثیر بر واشینگتن را کسب می کنند، ترسیم می نماید: از طریق رای، تامین منابع مالی انتخابات، و با ایجاد یک "بدنه سازمان یافته" که نیازها را بصورت واضحی بیان می کند، رای دهندگان را بسیج می کند و اتحاد با گروههای دیگر را شکل می دهد.¹¹

گروه دوم، بوسیله یوسی شایین رهبری می شود که عنوان می دارد که گسترش لابی های قومی در بعد جنگ سرد در سیاستگذاری های خارجی ایالات متحده یک مورد خوبی است؛ این علامتی است که نشان می دهد این گروهها به "یک موقعیت قابل احترامی در زندگی آمریکایی" دست یافته اند و اینکه آنها می خواهند "صدایی معنی دار در موضوعات خارجی ایالات متحده" کسب کنند.¹² شایین معتقد است که لابی قومی برای ارتقای پشتوانه ارزشهای آمریکایی: دموکراسی، خودمختاری، حقوق بشر و دیگر ارزشهای لیبرالی مفید است.¹³

یک نوع کاملا متفاوتی از این مباحثات بوسیله میشل کلوگه مطرح می گردد. او عنوان می کند که سیاست آمریکا در دوران جنگ سرد بوسیله گروه کوچکی از نخبگان مشخص می گردید اما محیط استراتژیک بعد جنگ سرد، با افزایش مهاجرت به آمریکا و توسعه در ارتباطات همراه شده و حیطه سیاست سازی خارجی را به روی جمعیت گسترده تری، شامل گروههای قومی گشود. گسترش این سازمانها در حیطه سیاست خارجی آمریکا نباید به عنوان خطر تلقی شوند بلکه عامل مشارکت دموکراتیک می باشد. این مشارکت گروهها باید از سوی دولت آمریکا خوش آمد گفته شود و میزبانی گردد.

اینکه آیا لابی های قومی برای منافع ملی آمریکا خوب یا بد هستند با هیچ معیار معینی ارزیابی نگردیده است. همچنانکه بیشتر محققین لابی قومی عنوان می دارند، تصمیم سازی خارجی یک فرایند نامشخصی است و مشخص کردن این مسئله که کدام نیروی داخلی یا بین المللی و چگونه بر تصمیم سازی خارجی تاثیر می گذارد دشوار می باشد.¹⁴ با این همه، بحث در مورد لابی قومی و تاثیر آنها بر سیاست خارجی با در پیش گرفتن مطالعات موردی در مورد گروهی خاص و تحقیق در مورد تاریخ و سازمانیابی آن گروه، پایگاههایی که بنیان نهاده اند و استراتژی آنها برای فهم اهداف میسر خواهد شد.¹⁵

تحقیقات عمیقی در مورد گروههای قومی وجود ندارد.¹⁶ تنها استثنای قابل توجه، مطالعاتی است که در مورد گروههای لابی اسرائیلی، بویژه کمیته امور عمومی اسرائیلی های آمریکا (AIPAC) صورت گرفته است.¹⁷ تنها مطالعه قابل اعتنا در مورد چگونگی سازمانیابی لابی های قومی و تاثیر آن بر فرایند سیاست خارجی آمریکا تحت عنوان "سیاست خارجی و گروههای قومی"¹⁸ توسط گولدرگ صورت گرفته است. مطالعات وی گسترش لابی طرفدار اسرائیل در ایالات متحده، بویژه AIPAC، همچنین نیروهای طرفدار اسرائیل در کانادا، کمیته کانادا-اسرائیل (CIC)، پیوندهای آنان با اسرائیل و موسسین شان در آمریکا و کانادا، رهبری از طریق لابی ها، فرایند سیاست سازی در دولت های آمریکا و کانادا، شبکه هایی که این گروهها ایجاد کرده اند، و موفقیت ها و اشتباهات آنها در اجرای اهدافشان را مورد بحث قرار می دهد.

این مقاله قصد دارد، شکاف در ادبیات گروههای قومی را با ارائه یک مطالعه موردی دیگری، بویژه با ردیابی فرایند رشد گروههای لابی ارمنی در آمریکا پر نماید. پیرو متدولوژی گلدبرگ، این نوشته سازمان این گروههای لابی؛ رهبری آنها؛ پیوند آنها با دیاسپورای ارمنی و دولت ارمنستان؛ اهداف؛ استراتژی ها؛ و موفقیتها و محدودیت های آنها در بدست آوردن اهدافشان را ریشه یابی خواهد کرد.

علاوه براین، این مقاله فرضیه های اسمیت و شایین در مورد تاثیر لابی قومی بر سیاست خارجی آمریکا را خواهد سنجید. اولاً، ادعای اسمیت در مورد این مسئله که لابی قومی قدرت تاثیرگذاری خود را از طریق قدرت رای بدست می آورد آزمون خواهیم کرد. ثانياً، مقاله، فرضیه اسمیت در مورد تامین مالی جنگ نظامی را بوسیله اندازه گیری مبلغ اعانه و کمک مالی کمیته اقدام سیاسی (PAC) که بوسیله ارمانه در مقابل دشمنانشان پرداخت می شود، خواهد آزمود. ثالثاً، این مقاله فرضیه اسمیت در این مورد که لابی قومی قدرت تاثیرگذاری خود را از طریق سازمانیابی، بیان درخواست هایی واضح، بسیج رای دهندگان، و تشکیل اتحاد با گروههای دیگر کسب می کند خواهد آزمود. سرانجام، این مقاله فرضیه اسمیت در مورد همبستگی بین سوابق دموکراتیک و حمایت آمریکا را خواهد آزمود.

3- دیاسپورای ارمنی و عملگرایی سیاسی در ایالات متحده

دیاسپورای ارمنی از شکاف حاد سیاسی که تمام جنبه های زندگی جمعیت ارمانه را به تفرقه کشانده است رنج می برد. این شکاف، از اولین روزهای حضور جمعیت در آمریکا وجود داشته که بسوی دشمنی و سردی روابط کشانده شده است. نتیجه این شکاف شکل گیری سازمان های موازی کلیساها، مدارس، روزنامه ها، نهادهای جمع آوری اعانه، کلوب های اجتماعی، و گروههای لابی- است که همچنان بصورت جداگانه باقی مانده اند.

جامعه اولیه ارمنی-آمریکایی خود را حول احزاب سیاسی بجای سازمان های مذهبی و اجتماعی سازمان داد. چهارحزب سیاسی برای دیازپورای ارمنی دارای اهمیت هستند. اولین حزب، در ژنوا و در سال 1887 شکل گرفت، و حزب انقلابی هونچاکیان (Hunchakian) نامیده شد. اصالتاً این جنبش برای استقلال ارمنستان از حکومت عثمانی تلاش می کرد.¹⁹ دومین جنبش یعنی داشناکسیتیون (Dashnaksutiun)،²⁰ یا همان فدراسیون انقلابی آرامنه (ARF)، در تفلیس در سال 1890 به وجود آمد. این گروه در اصل خواستار اصلاحات در سیستم عثمانی بود نه استقلال کامل.²¹ در سال 1910، داشناکسیتیون بصورت حزب سیاسی درآمد و رهبری جمهوری ارمنستان از می 1918 تا سقوط آن بوسیله ارتش سرخ روسیه در دسامبر 1920 را بر عهده گرفت. سومین حزب، حزب رامآگوار (Ramagavar)، یا حزب لیبرال دموکرات ارمنی (ADL) بود که در مصر و در سال 1921 تشکیل شد. رامآگوار، اولین بازگنانان و متخصصین را متشکل نمود و حامی اشغال ارمنستان بدست شوروی بود؛ آنها معتقد بودند که ارتش سرخ از حملات بیشتر تورک ها ممانعت خواهد نمود، از اینرو بخشی از سرزمین آرامنه را نگه خواهد داشت.²² چهارمین حزب، اتحادیه ترقی آرامنه است که در آمریکا شکل گرفت و طرفدار کمونیسم در ایدئولوژی خود بود و استدلال می کرد که حکومت شوروی در ارمنستان منطقه را بهتر از داشناکسیتیون محافظت می کند.²³

اختلاف ایدئولوژیک و سیاسی در بین جامعه ارمنی با تاسیس جمهوری ارمنستان در سال 1918 و سقوط آن بدست شوروی در سال 1920 گسترش یافت. این پیشرفت ها باعث ایجاد دو گروه در بین جامعه ارمنی-آمریکایی شد.²⁴ اولین گروه شامل داشناکسیتیون می شود که دولت جمهوری ارمنستان را تشکیل داد و با پیروزی شوروی تبعید گردید. آنها به داشتن مواضع ضد شوروی و ضد کمونیستی مشهور بودند. گروه مخالف شامل هونچاک ها، رامآگوارها و اتحادیه ترقی آرامنه می شود که، علیرغم دلایل ایدئولوژیک متفاوت در مقابل داشناکسیتیون در حمایت از غلبه شوروی بر جمهوری ارمنستان سازمان یافته اند.²⁵

این حرکت های سیاسی منعش شده بر روی سازمان دینی دیازپورای ارومنی-آمریکایی تاثیر نهاده است.²⁶ ارمنی های پروتستان با انقلاب مخالف بودند و تجمع آنها را به نشست های خانگی که معمولاً بوسیله ارمنی های اورتودوکس برگزار می شد، محدود کرده بودند.²⁷ این اختلاف مذهبی باعث ایجاد اولین کلیسای اورتودوکس در ایالت ماساچوست آمریکا در سال 1891 شد و نقش یک آکادمی ارمنی به قصد سازماندهی طرفداران انقلاب در جامعه ارمنی را یافت. این دیدگاههای متعارض تنها بین مذاهب وجود نداشت بلکه در همان حد در بین کلیسای اورتودوکس حاکم بود. تنش در بین کلیسای اورتودوکس بعد از قتل آرچیباشاپ توریان در هنگام اجرای مراسم عشای ربانی در 24 دسامبر 1933 در نیویورک به اوج خود رسید. گرچه هرگز این حادثه به عنوان یک طرح از سوی داشناکسیتیون ثابت نگردید، دو عضو داشناکسیتیون به جرم قتل و هفت نفر دیگر به جرم همدستی محکوم گردیدند.²⁸ قتل کلیسای ارتدوکس را به دو قسمت کرد؛ حامیان داشناکسیتیون، کلیسای اورتودوکس خود را بنا نهادند، و بقیه کلیسای ملی ارتدوکس را بنیان نهادند. این کلیسا در سال 1957 تحت قلمرو مقر پاپ سیلیکیا در لبنان قرار گرفت.²⁹ دوازده کلیسا از پانزده کلیسای موجود تحت قلمرو کلیسای آپوستولیک در ارمنستان اشغالی توسط شوروی باقی ماندند.³⁰

انشقاق در میان جامعه ارمنی-آمریکایی به کلیسا ختم نشد و در صدقات و کلوب های اجتماعی نیز خود را نشان داد. قبل از جنگ جهانی اول، سدها نهاد صدقه در ایالات متحده وجود داشت.³¹ بخصوص مهمترین آنها اتحادیه خیرخواهی عمومی آرامنه بود که در سال 1906 بوسیله یک ارمنی مصری ثروتمند بنام بوهوس نوبار پاشا بنیان نهاده شد.³² اهداف این اتحادیه که همچنان ادامه یافته است، آموزش، تربیت شغلی، دسترسی به مراقبت های بهداشتی، توسعه کشاورزی، و کمک به یتیمان و نیازمندان بود.³³ تاریخ دان ارمنی، مارک میراک عنوان می کند که گرچه این اتحادیه در ابتدا تمایل به بی طرفی داشت، اما چون توسط آنتی داشناکسیتیون ها ایجاد شده بود، شدیداً هوادار باقی ماند.³⁴ ایجاد اتحادیه مذکور داشناکسیتیون را بر آن داشت تا در سال 1910 صلیب سرخ آرامنه که بعداً جمعیت امداد آرامنه نام گرفت را تاسیس نماید. هم اکنون مرکز جمعیت امداد آرامنه در واترتاون ایالت ماساچوست قرار دارد.³⁵ علاوه بر نهادهای خیریه، انجمنهای اجتماعی نیز در امتداد خطوط داشناکسیتیون و آنتی داشناکسیتیون تقسیم شدند. فدراسیون جوانان ارمنی تنها چند هفته بعد از قتل توریان پدید آمد و به عنوان بال قدرتمند داشناکسیتیون باقی ماند.³⁶ جامعه آنتی داشناکسیتیون نیز جنبش جوانان خود را پشتیبانی نمود.³⁷

در امتداد سازمانیابی سیاسی، مذهبی و اجتماعی در جامعه ارمنی-آمریکایی، جنبش ها تاثیر گذاری بر سیاست خارجی و داخلی آمریکا را هدف گرفتند و همچنین بخش مهمی از زندگی دیازپورای ارمنی گردیدند. قبل از اینکه آرامنه لابی قومی خود را در واشینگتن سامان دهند، فعالیت سیاسی اولیه در مورد مسائل آرامنه توسط غیرارمنیان تحریک و هماهنگ شده بود. بویژه، کلیساهای بریتانیای کبیر و آمریکا بعد از جنگ جهانی اول سازمان هایی را برای جمع آوری پول برای ارمنیان قحطی زده راه اندازی کردند.³⁸ مسیون ها و مامورین بریتانیایی و آمریکایی در منطقه در ایجاد آگاهی نسبت به مسئله آرامنه سودمند بودند.³⁹ علاوه سازمانهای زنان بریتانیا و آمریکا مانند WCTU، مسئله آرامنه را تعقیب نمودند، دسته ها و صندوق های حمایت به راه انداختند، به سیاسیون نامه نوشتند، و حتی به مکان های تجمع آرامنه جهت تهیه کمک مسافرت کردند.⁴⁰

علاوه بر حمایت های خارجی، جمعیت ارمنی-آمریکایی واشینگتن را با هشدارهایشان روبرو ساختند. اولین فعالین سیاسی ارمنی، کسانی بودند که با طعنه سعی داشتند جلوی مهاجرت ارمنه به آمریکا را بگیرند. در اواخر 1880، ارمنه ساکن واریسیتر ایالت ماساچوست درخواستی را با هدف ممانعت از مهاجرت بیشتر ارمنه تهیه کردند. مشکلات اقتصادی در آمریکا، نگرانی از حضور ارمنه در اروپا و آسیا اینرا القاء می نمود. درخواست توانست باعث بازگرداندن 30 ارمنی در میانه راه مهاجرت به آمریکا شود.⁴¹ قبل از جنگ جهانی اول، اتحادیه خیرخواهی عمومی ارمنه، دانشناکسیتیون و مجمع ملی ارمنه تلاش کردند از طریق فراهم کردن منابع مالی برای امرار معاش و منصرف کردن از مهاجرت، ارمنه را در سرزمین هایشان نگه دارند.⁴²

بعد از ژنوساید[شکست در تشکیل ارمنستان بزرگ در اواخر جنگ اول جهانی]، ارمنه آمریکا نیروی خود را با گروه های دیگر متحد کردند تا از احیای پیوندهای اقتصادی و دیپلماتیک بین آمریکا و جمهوری نوپای تورکیه ممانعت کنند. گروهی تحت عنوان کمیته ارمنیان مخالف توافق لوزان، متشکل از یک گروه طرفدار ارمنه از اعضای کنگره، روحانیون رسمی، سازمان های خیریه، و ارمنی-آمریکایی ها به قصد مقابله با تصویب عادی سازی روابط با تورکیه سازماندهی شدند.⁴³ این کمیته موفق شد از تصویب توافقنامه در مجلس سنا جلوگیری نماید. در سال 1927، دپارتمان ملی در حین معاوضه یادداشت های تفاهم در بین دیپلمات ها، احیای پیوندها بین دو کشور را مورد مذاکره قرار دادند.⁴⁴ علیرغم مخالفت شدید اعضای کنگره این کمیته، تورکیه و آمریکا در می 1927 سفیر معاوضه نمودند، بنابراین ارتباطات دیپلماتیک دوباره برقرار گردید. سنا نیز بعد از این رویداد در سال 1998 با آن موافقت کرد.⁴⁵

همچنین فعالین طرفدار ارمنه جهت اطمینان دهی به بازماندگان ژنوساید نسبت به ورود آنها به آمریکا بسیج شدند. از سالهای 1920، کنگره قانون منع مهاجرت گروه های قومی مشخصی را به ایالات متحده تصویب نمود. در 1927، سند مهاجرت رید یوهانسون تصویب شد، که سهمیه ای را برای مهاجرت قرار داد؛ سهمیه ارمنه نیز 100 نفر در هر سال مشخص گردید.⁴⁶ ارمنی-آمریکایی ها و طرفداران ارمنه تلاش نمودند تا ارمنی ها را در ردیف پناهدگان دسته بندی کنند تا بدین طریق اجازه ورود ویژه برای آنها قائل شوند.⁴⁷ بعد از جنگ جهانی دوم، کمیته ملی ارمنه برای ارمنیان بی خانمان (ANCHA) روش مشابهی را با بهره گیری از قانون تبعیدیها مورد استفاده قرار داد.⁴⁸ این کمیته موفق شد علیرغم سیستم سهمیه، به مهاجرت 25000 ارمنی به آمریکا یاری رساند.⁴⁹

جنبه مهم دیگری از فعالیت سیاسی در بین دیازپورای ارمنی[دیازپورا به مهاجرینی که خارج از سرزمین مادری زندگی می کنند اطلاق می گردد/م] اقدامات تروریستی سالهای 1970 و اوایل 1980 بود. هدف از اقدامات تروریستی ارمنه ایجاد آشوب در تورکیه و شناسایی بین المللی ژنوساید ارمنه بود.⁵⁰ دو گروه عمده مرتبط با دانشناکسیتیون، ARF، به نام های، ارتش سری ارمنه برای آزادی ارمنستان (ASALA) و ارتش انقلابی ارمنیان (ARA)، مقامات رسمی تورکیه را به قصد انتقام از کشتار ارمنه و فشار برای شناسایی گسترده تر ژنوساید ترور کردند.⁵¹ اقدامات تروریستی بعد از این گسترش یافت، به گونه ای که اقداماتی همانند کشتار 9 نفر و زخمی نمودن 74 نفر در فرودگاه آنکارا در سال 1982 و بمب گذاری در فرودگاه اورلی پاریس در 1983، که موجب کشته شدن 6 نفر و زخمی شدن 48 تن شد را نیز شامل می شود.⁵² این اعمال وقتی جنبه تبلیغاتی برای جنبش ارمنی یافت، دیازپورای ارمنی را از لحاظ روش و مسائل اخلاقی به دو قسمت کرد.⁵³ زمانیکه جامعه ارمنی و گروه های همردیف دانشناکسیتیون در محاسبه سود و زیان این اقدامات بیش از پیش تقسیم شدند، تروریزم به عنوان وسیله سیاسی، تاثیرگذاری خود را از دست داد.⁵⁴ علاوه بر این روش های فعالیت سیاسی، ارمنه گروه های لابی را با هدف تاثیرگذاری بر سیاست خارجی در واشینگتن شکل دادند. دانشناکسیتیون کمیته آمریکا برای استقلال ارمنستان (ACIA) را که در سال 1918 شکل گرفت به عنوان اولین گروه لابی خود اتخاذ کرد.⁵⁵ سازمانی لابی کنونی آنها یعنی کمیته ملی ارمنه آمریکا (ANCA) از ACIA بوجود آمده است. در سال 1972، اعضای مؤثر جامعه ضد دانشناکسیتیون در آمریکا انجمن ارمنه آمریکا (the Assembly) را به امید شکل دهی به "یک سازمان جدید ارمنی که رهبران آن از گروه های مختلف ارمنی در منافع جامعه به عنوان کل مشارکت داشته باشند" تاسیس نمودند.⁵⁶ تا به امروز، این دو گروه لابی کارکرد مستقل از یکدیگر را ادامه داده اند.⁵⁷ در ادامه اهداف، استراتژی ها و موفقیت های آنها مورد بحث قرار خواهد گرفت.

4- برآمدن لابی های قومی ارمنی

ایجاد لابی های قومی ارمنه در آمریکا نمونه ای دیگر از سازمان های موازی ایجاد شده به خاطر جدایی ایدئولوژیکی بین جامعه ارمنی-آمریکایی است. این بخش رقابت بین دو گروه لابی ANCA- و انجمن (the Assembly) - که بسیج گسترده منابع در بین دیازپورای ارمنی-آمریکایی را موجب شده است مورد بحث قرار خواهد داد. رقابت، جنبش و موفقیت لابی های ارمنی را ارتقاء بخشیده است؛ زیرا علیرغم اینکه دو گروه رویکردهای متفاوتی در تاثیرگذاری بر واشینگتن اتخاذ می کنند، اغلب در مورد اهداف سیاسی توافق دارند. این بخش سه بعد این دو گروه لابی را بطور اجمالی بحث خواهد نمود؛ ماهیت سازمانی هر گروه⁵⁸؛ پروژه های توسعه؛ و اهداف سیاسی آنها.

علاوه بر این، رویکرد دو گروه لابی به بسیج منابع متفاوت است. ANCA ماهیتا بر سازماندهی از پایین به بالا تاکید دارد. آنها ادعا دارند که بزرگترین و تاثیرگذارترین سازمان سیاسی عوام گرای ارمنی-آمریکایی هستند.⁷⁸ ANCA بر بسیج در سطح محلی به عنوان اصول اساسی خود تاکید دارد:

« ANCA متقاعد شده است که یک توده خوب آموزش دیده و با انگیزه و بااراده، ارزشمندترین و قدرتمندترین اسلحه ای است که ما داریم... هر ANC تشکیل یافته از اعضای جامعه است... هر ANC چنان سازمان یافته است تا با احتیاجات جامعه محلی در تماس باشد.⁷⁹»

ANCA به بالغ بر 45 شعبه در 25 ایالت در سراسر ایالات متحده می بالد، هر کسی تلاش می کند تا اطمینان دهد که صدای جمعی جامعه ارمنیان آمریکا در سطح فدرال، ایالتی و محلی شنیده می شود.⁸⁰ اساسا، انجمن (the Assembly)، متخصصین و تجار بلندپایه ارمنی-آمریکایی که گروه لابی را از لحاظ مالی حمایت خواهند نمود هدف گرفته و جذب می نماید.⁸¹ علاوه جهت حفظ شدت تلاشهای جمع آوری پول، انجمن برنامه عمومی را بنام کمیته اقدام ارمنی-آمریکایی ها (ARAMAC) راه اندازی نمود. گزارش سال 2000 انجمن آرامنه آمریکا حدود 8000 فعال ارمنی را در سراسر ایالات متحده ذکر نموده است.⁸²

بالاخره، ANCA و انجمن اتحادیه های جداگانه ای را با سازمان و گروههای ذینفع دیگر تشکیل داده اند. ANCA ساختار ائتلافی را برای تاثیرگذاری خود اساسی می داند. یک نماینده ANCA اظهار می کند: "ANCA پیوندها با جامعه یونان، قبرس، کردها و لبنان را در طی مدت طولانی پابرجا نگه داشته است. ما همچنین با سازمان های کارگری و حقوق بشری متعددی همکاری می کنیم."⁸³ این اتحادیه ها بطور ویژه برای ANCA جهت اعمال فشار برای بلوکه کردن کمک های نظامی و اقتصادی به ترکیه به بهانه نقض حقوق بشری آرامنه، کردها، یونانیان و قبرس مفید بوده است. این مسئله در ادامه بیشتر بحث خواهد گردید.

انجمن به پیوندهای منحصرفرد و قدرتمند با ملل متحد که ادعا می گردد بالاترین موقعیت سازمان غیردولتی در بین تمام سازمان های ارمنی است، می بالد.⁸⁴ در 1997، مرکز آموزش و منابع NGO وابسته به انجمن (NGOC) یک اقدام جدیدی را با کمیسیونر عالی ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) برای "ساختن ظرفیت NGO در رابطه با امور پناهندگان با استفاده از ترکیبی از آموزش، کمک تکنیکی و کمک های مالی" به راه انداختند.⁸⁵ انجمن، در 1999 موقعیت مشاور ویژه در شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد را بدست آورد.⁸⁶ همچنین، انجمن مدعی یک رابطه منحصر به فردی با موزه یادبود هولوکاست آمریکا و کار نزدیک با تیم آنها برای افزایش آگاهی در مورد موضوع ژنوساید است.⁸⁷

ب- پروژه های توسعه

گرچه تاریخچه، ساختارها، رویکردها به بسیج، و اتحادیه ها بین ANCA و انجمن متفاوت هستند، برنامه توسعه آنها در بین ارمنیان و عموم مشابه است. هر دو سازمان انتشارات؛ نهادهای پژوهشی و مطالعاتی، و برنامه های جوانان موازی را بنیان نهاده اند. این برهم نهادگی شدید منابع را برای ارمنیان و عموم دوبرابر می کند، بنابراین موضوعات آرامنه را با فعال نمودن تعداد بیشتری از آرامنه نسبت به حالتی که تنها یک سازمان فعالیت می نماید، بسیار برجسته نشان می دهد.

ابزار کلیدی در بسیج برای هر دو گروه و ارگانهای همزاد آنها انتشارات می باشد. ANCA از وب سایت و ایمیل برای اطلاع رسانی به مخاطبانش استفاده می نماید.⁸⁸ همچنین ANCA ماهنامه ای با عنوان "ماوراء قفقاز: گاه شمار تاریخی" را که در وب سایت آنها موجود است منتشر می سازد. علاوه، آنها روابط نزدیکی با "هایرنیک" و هفته نامه "ارمنیان" دارند.⁸⁹ دانشناکسیتیون ARF، روزنامه دوزبانه ای با نام آریارز نیز منتشر می کند که در سال 1908 تاسیس شده و به 500000 تیراژ خود علاوه بر خوانندگان وب سایت خود افتخار می نماید.⁹⁰ دانشناکسیتیون روزنامه با عنوان یفتریک نیز در ارمنستان منتشر می کند.⁹¹

انجمن نیز از خبرنامه ها، ایمیل ها و وب سایت هایش برای آگاهی دهی به "دولتمردان، اعضای کنگره، دانشگاهیان و تحلیلگران سیاست خارجی" و ارمنی-آمریکایی ها در مورد مسائل مهم بهره می گیرد.⁹² لینک های لیست شده در وب سایت انجمن عبارتند از هفته نامه ماسیس، آزادی آرامنه، آژانس خبری اسنارک، شبکه خبری آرامنه.⁹³ علاوه، انجمن یک لینک برای روزنامه آریارز، روزنامه رسمی دانشناکسیتیون به عنوان معدود پیوندهای بین دو گروه قرار داده است.⁹⁴ اتحادیه خیرخواهی عمومی آرامنه فصلنامه ای با عنوان اتحادیه خیرین را منتشر می کند که ادعا می کند تیراژی برابر با 80000 نسخه دارد.⁹⁵ همچنین آنها فصلنامه آزارات و چند گاهنامه دیگر در فرانسه، ارمنستان و اسپانیا منتشر می کنند.⁹⁶

ابزار دیگری که برای توسعه یابی از آن استفاده می شود موسسه مطالعات آمریکا می باشد که به امور آرامنه اختصاص یافته است. "موسسه زوریان برای مطالعات معاصر آرامنه و مستندسازی" در سال 1982 در شهر کمبریج ایالت ماساچوست آمریکا تاسیس شده است. این موسسه در سال 1984 با موسسه زوریان کانادا پیوند یافته است.⁹⁷ موسسه از "مستندسازی، مطالعات، و انتشار اسناد مرتبط با زندگی آرامنه در گذشته نزدیک و حال حاضر و مسائل مرتبط با امورات گسترده جهانی" به عنوان اهداف خود نام می برد.⁹⁸ بطور ویژه موسسه بر روی سه حوزه مطالعاتی تمرکز دارد: ژنوساید، دیازپورا و ارمنستان. موسسه با همکاری دانشگاه تورنتوی کانادا فصلنامه "دیازپورا: مجله مطالعات فراملیتی" را منتشر می کند. همچنین موسسه سمینارهایی در مورد موضوعات آرامنه برگزار می کند، داده ها، اطلاعات و مطالب آرشیوی را جمع

آوری می کند، و آنها را بصورت آزاد به عنوان منبع در اختیار "دانشگاهیان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فیلم سازان، مامورین و نهادهای دولتی و دیگر سازمان های مسئول قرار می دهد.⁹⁹ موسسه بوسیله حامیان خصوصی از "متخصصینی که به خوبی تربیت شده اند" و "مالکان تجارت" بنیانگذاری شده است.¹⁰⁰ انجمن در سال 1997 موسسه ملی آرامنه (ANI) را با هدف افزایش آگاهی عمومی از ژنوساید آرامنه و جستجو برای یافتن راه حل قانونی جهت جبران برای قربانیان ژنوساید بنیان نهاده است.¹⁰¹ با این هدف کنفرانس ها و اجتماعاتی با موضوع ژنوساید تشکیل می شود. ANI هم اکنون با بنیاد "رودروپی با تاریخ و خویشتن" بر روی پروژه ای با هدف گسترش برنامه های تحصیلی در مورد ژنوساید همکاری می نماید. علاوه بر این ANI بر روی دایره المعارف ژنوساید با همکاری متخصصین هولوکاست کار می کند. ANI مدعی روابط ویژه ای با موزه یادبود هولوکاست آمریکا است که تلاش می کند موزه هولوکاست آرامنه و یادبود آنرا در واشینگتن دی سی گسترش دهد.¹⁰²

بسیج جوانان ارمنی-آمریکایی ویژگی مهم دیگری از دو گروه لابی به شمار می رود. ANCA و دانشناکسیتیون از فدراسیون جوانان ارمنی (AYF) که در سال 1933 تشکیل شده است حمایت می کنند. AYF اهداف اولیه خود را "پاسداری از ارمنیان ارمنی" و "القای افتخار به میراثشان" عنوان می کند.¹⁰³ ANCA به این اهداف از طریق آموزش تاریخ و مسائل آرامنه، المپیادهای سالانه که بین مناطق و شعبات مختلف سازمان برگزار می شود، کلاس های رسمی زبان، فعالیت سیاسی و کارهای فرهنگی دست می یابد.¹⁰⁴ در ضمن آنها اردوی تابستانی با نام کمپ هایاستان برگزار می کنند که سالانه میزبان هزاران جوان ارمنی-آمریکایی است. آنها همچنین بورسهای تحصیلی برای اعضای خود ارائه می کنند. علاوه بر این، ANCA از برنامه های کارورزی بوسیله دفتر اصلی ارمنی-آمریکایی های دانشگاهی پشتیبانی می کند.¹⁰⁵ انجمن چندین برنامه را در مورد ایجاد انگیزه و اراده در جوانان ارمنی ارائه می دهد. آنها دوره های کارورزی تابستانی دارند که از سال 1997 راه اندازی شده و دانشجویان را با اعضای کنگره، رسمیون دولت فدرال، NGOها، محصولات و کارهای رسانه ای و تحلیلگران همکار و همراه می کند.¹⁰⁶ در سال 1999، انجمن دوره های کارورزی تابستانی ای را شروع کرد که دانشجویان ارمنی-آمریکایی در دفاتری در ایروان مستقر می شوند.¹⁰⁷ علاوه، اتحادیه خیرخواهی عمومی آرامنه چندین برنامه را که جوانان و متخصصین جوان را مد نظر دارد ارائه کرده است. آنها 24 مدرسه مقدماتی، ابتدایی و متوسطه را علاوه بر "مدارس بین المللی یکشنبه" اداره می کنند که تاریخ، فرهنگ، و زبان آرامنه را در ایالات متحده آموزش می دهد.¹⁰⁸ آنها بورس های دانشجویی بین المللی و وام های دانشجویی برای دانشجویانشان در آمریکا ارائه می کنند.¹⁰⁹ اتحادیه خیرخواهی کلوب متخصصین جوان را در اختیار دارد که در از سال 1995 در ایالت لوس آنجلس مستقر شده و ایجاد شبکه بین المللی از جوانان متخصص ارمنی و ارتباط دهی آنان با جوانان متخصص ارمنستان را در برنامه اهداف خود دارد.¹¹⁰ در ضمن آنها رویداد ورزش قهرمانی دو سالانه و اردوی تابستانی با نام "کمپ نوپار" در نیویورک و چندین اردوگاه دیگر در سطح بین المللی برگزار می نمایند.¹¹¹ به جدول الف به عنوان خلاصه منابع ارمنی-آمریکایی ها نگاه کنید.

بالاخره، مسئله مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد، زلزله دسامبر 1988 است که در ارمنستان روی داد و دو گروه جامعه ارمنی-آمریکایی را برای اقدامات سیاسی و بشردوستانه بسیج نمود. از این زلزله به عنوان نقطه عطف کلیدی در بسیج دیازپورای ارمنی با هدف سرزمین مادری یاد می شود. یک محقق عنوان می کند: بسیاری از مردان و زنان ارمنی نژادی که در ساختارهای همگانی فعال نبودند جهت مشارکت به میدان آمدند.¹¹² برای مثال، وکیل مشهور هالی وود پاول کرکوریان با امورات جامعه ارمنی برای اولین بار در لوس آنجلس و در مورد زلزله درگیر شد. هم اکنون او یک فعال سیاسی و حامی اجتماعی مسائل آرامنه محسوب می گردد و از اقدامات انجمن و اتحادیه خیرخواهی حمایت می کند.¹¹³ همچنین، هر دو گروه با آمریکا جهت کمک به بازماندگان متحد شدند.¹¹⁴ نهادهای صدقه بسیاری آرامنه و غیر ارمنی ها را جهت جمع آوری اعانه سازماندهی کرد. حتی اکنون نیز تلاش هایی برای ارسال کمک برای بازسازی منطقه وجود دارد.¹¹⁵

نمودار الف: گروههای لابی ارمنی-آمریکایی و منابع آنها

تاریخ	کمیته ملی آرامنه آمریکا (ANCA)	انجمن آرامنه آمریکا (The Assembly)
	لابیگری سلاح برای دانشناکسیتیون (ARF)	اکثرا از طرف اتحادیه خیرخواهی عمومی آرامنه (AGBU)
صدقات	جامعه امداد آرامنه (ARS)	اتحادیه خیرخواهی آرامنه (AGBU)
هدف اولیه	ارمنستان آزاد و مستقل	دموکراسی، اقتصاد، توسعه، موفقیت
اهداف بسیج	اجتماع محلی	ابتدا پول که باعث به وجود آمدن نخبگان میشود، علاوه بر آن اجتماع محلی (کمیته اقدام آمریکایی-آرامنه ARAMAC) در دهه ۱۹۹۰
متحدین	کردها، یونانیان، یونانیان قبرس، اتحادیه ها	موزه یادبود هولوکاست ایالات متحده،

<p>سازمان ملل متحد (با اتحادیه خیرخواهی عمومی ارامنه (AGBU)</p> <ul style="list-style-type: none"> مدارس اردوگاه تابستانی باشگاه جوانان حرفه ای دوره های آموزشی بورسهای تحصیلی مسابقات قهرمانی بین المللی 	<p>(با دانشناکسیتیون (ARF) <ul style="list-style-type: none"> فدراسیون جوانان ارمنی (AYF)، ۱۹۹۳ اردوگاه تابستانی دوره های آموزشی بورس های تحصیلی مسابقات ورزشی </p>	<p>برنامه های جوانان</p>
<p>انجمن ملی ارامنه ، ۱۹۹۷</p>	<p>انجمن زوریان (Zoryan) ، ۱۹۸۲</p>	<p>تحقیق</p>
<ul style="list-style-type: none"> وب سایت، گزارشات ، اخطارهای عملی مجله AGBU فصلنامه آارات 	<ul style="list-style-type: none"> وب سایت، گزارشات ، اخطارهای عملی منطقه قفقاز: که یک روزشمار تاریخی است هائیرنیک Hairenik هفته نامه ارمنی Armenian Weekly آزبازر Azbazrez (جبهه انقلابی ارمنی (ARF) یریک Yerik 	<p>انتشارات</p>
<ul style="list-style-type: none"> کمیته های پارلمانی دو حزبی شورای دموکراتیک شورای جمهوری خواهان اعضای کلیدی کنگره 	<ul style="list-style-type: none"> کمیته های پارلمانی دو حزبی شورای دموکراتیک شورای جمهوری خواهان اعضای کلیدی کنگره 	<p>گروههای مربوط به کنگره</p>

تمامی این تلاشها به قبل از سال ۱۹۹۱، سال استقلال جمهوری ارمنستان، مربوط میباشند. یهودیان پراکنده ایالات متحده تلاشهای لابی گرایانه شان را برای حمایت از کشور تازه استقلال یافته ارمنستان در دهه ۱۹۹۰ بسیج نموده بودند.

ج. کنگره و اهداف سیاسی، استراتژیها و تاکتیکها

علی رغم تفاوتهای کمیته ملی ارامنه آمریکا (ANCA) و انجمن ارامنه آمریکا (The Assembly)، در تاریخ، اهداف، ساختار و نحوه بسیج، دو فاکتور مهم باعث اتحاد آنها در واشنگتن می شد: کمیته های پارلمانی دو حزبی در مورد مسائل ارمنیان، و اهداف سیاسی مشابه. کمیته های پارلمانی دو حزبی ارامنه که در کنگره ۱۰۷ ام تعداد اعضای آن به ۹۵ نفر رسیده بود، در ژانویه ۱۹۹۵ توسط فرانک پالون دموکرات از نیوجرسی و ادوارد پورتر جمهوری خواه از ایلینوی که اکنون جو کنولنبرگ جمهوری خواه از میشیگان جانشینش وی شده است، پایه گذاری شد.¹¹⁶ کمیته پارلمانی دو حزبی در داخل ساختمان مجلس نمایندگان فعالیت میکند تا مبتکرین درباره ارمنستان و مسائل مربوط به ارمنیان را ترغیب کند.¹¹⁷ در میان اعضای کمیته پارلمانی دو حزبی و آرایبی که در مورد مسائل مربوط به ارمنستان میدهند همبستگی محکمی وجود دارد، مخصوصا در مورد حفظ بخش ۹۰۷ اعلامیه حمایت از آزادی مورخ ۱۹۹۲ که کمک به آذربایجان، حریف ارمنستان را تحریم میکند.¹¹⁸ در مورد این مسئله در ذیل بحث خواهد شد.

علاوه بر کمیته پارلمانی دو حزبی ارامنه در کنگره، شورای رهبری دموکراتیک ارمنی-آمریکایی هم وجود دارد که در وب سایت خود هم به کمیته ملی ارامنه آمریکا و هم انجمن ارامنه آمریکا لینک داده است، همچنین شورای جمهوری خواه ارمنی-آمریکایی در سال ۱۹۹۷ در لس آنجلس تاسیس شد.¹¹⁹ علاوه بر این، در کپیتل هیل، (ساختمان کنگره ایالات متحده آمریکا) تعدادی اندکی مدافع کلیدی علاقمند به مسائل ارامنه وجود دارد که معروفترین آنها سناتور سابق رابرت دول می باشد که رئیس کمیته مالی و رهبر نمایندگان اکثریت در سنا بود. دول که در جنگ جهانی دوم توسط یک پزشک ارمنی از مرگ نجات یافته بود، دهها سال از جنبش ارامنه حمایت کرد. او از سال ۱۹۸۲ تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۶ به صورت مداوم با صدور اعلامیه از دولت ایالت متحده می خواست که نسل کشی ارامنه را به صورت رسمی مورد شناسایی قرار دهد. در ماه می سال ۲۰۰۱ دول به سبب فداکاریش در راه جنبش ارامنه جایزه موفقیت مادام العمر کمیته ملی ارمنی آمریکا را به خود اختصاص داد.¹²⁰

این گروههای لابی با اهداف سیاسی کنونی کمیته ملی ارامنه آمریکا و انجمن ارامنه آمریکا که تقریبا یکسان هستند قدرت بیشتری کسب کرده اند. مطالبات سیاسی آنها را میتوان به شش موضوع تقسیم کرد. اولاً هر دو لابی میکوشند دولت ایالات متحده نسل کشی سالهای ۱۹۱۵-۱۹۲۲ را مورد شناسایی

رسمی قرار دهد. ثانیاً، هر دو گروه خواستار این هستند که دولت ایالات متحده استقلال قاراباغ را به رسمیت بشناسد و به آن منطقه جدا شده کمک رسانی کند. ثالثاً، لایحه با جدیت کوشیده اند که بخش ۹۰۷ لایحه حمایت از آزادی را که ایالات متحده را از کمک های زیاد به آذربایجان باز میدارد حفظ نمایند. رابعاً، هر دو گروه برای تداوم کمکهای ایالات متحده به ارمنستان لابیگری میکنند. به نظر میرسد که دو مورد دیگر، توقف فروش تسلیحات به ترکیه و ممانعت از خط لوله نفتی باکو-جیهان، بیشتر توسط کمیته ملی آرامنه آمریکا تعقیب میشود تا انجمن آرامنه آمریکا.

۱. شناسایی نسل کشی ارمنیان توسط دولت ایالات متحده

هم کمیته ملی آرامنه آمریکا (ANCA) و هم انجمن آرامنه آمریکا (The Assembly)، شناسایی این نسل کشی توسط ایالات متحده را در صدر اهداف خود قرار داده اند.¹²¹ با وجود این، کمیته ملی آرامنه آمریکا بیشتر از انجمن آرامنه آمریکا در زمینه مطالبات سرزمینی و غرامات جنگی از ترکیه از خود فعالیت نشان میدهد.¹²² از سال ۱۹۸۲ هر دو گروه لابی کوشیده اند تا از راه قانونگذاری، نسل کشی ارمنیان در سالهای ۱۹۱۵-۱۹۲۲ را مورد شناسایی رسمی قرار دهند و به احترام قربانیان آن نسل کشی ۲۴ آوریل را به یادبود آن نامگذاری کنند. هر سال با این ادعا که شناسایی این نسل کشی میتواند روابط ایالات متحده و ترکیه را تیره کند و در نتیجه منافع امنیتی استراتژیک ایالات متحده را تهدید کند، این اعلامیه مسکوت می ماند.¹²³ با وجود اینکه هر دو گروه به سختی میکوشند ایالات متحده نسل کشی آرامنه را مورد شناسایی قرار دهد، هر گروه برای وارد کردن فشار از طریق قانون گذاری، استراتژیها و تاکتیکهای مختلفی را به کار می گیرند. کمیته ملی آرامنه آمریکا، برای رسیدن به بسیج اجتماع محلی، از استراتژی "از پایین به بالا" جهت شناسایی نسل کشی آرامنه توسط ایالات متحده آمریکا استفاده می نماید. کمیته ملی آرامنه آمریکا علاوه بر لابیگری جهت شناسایی رسمی نسل کشی در سطح کپیتال هیل، در سطح ایالت و شهر هم در راه شناسایی و روز یادبود می کوشد. در حال حاضر ۳۰ ایالت نسل کشی را مورد شناسایی قرار داده اند.¹²⁴ چندین شهر، مثل پوستان نسل کشی را مورد شناسایی قرار داده اند و روز ۲۴ آوریل را به عنوان روز یادبود گرامی میدارند.¹²⁵ کمیته ملی آرامنه با استفاده از تاکتیک شناسایی نسل کشی توسط سایر کشورها، به ایالات متحده فشار وارد می آورد تا به آنها بپیوندد. شعبات کمیته ملی آرامنه آمریکا در گرداگرد جهان مدعی هستند که با وارد کردن فشار به حکومتها فرانسه، ایتالیا، اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا، بریتانیای کبیر، یونان، بلژیک، لبنان، روسیه، سازمان ملل، قبرس، کانادا و آرژانتین برای شناسایی نسل کشی به موفقیت دست یافته اند.¹²⁶ علاوه بر این، کمیته ملی آرامنه در اتحادیه اروپا می کوشد که عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپا را منوط به شناسایی این نسل کشی توسط آن کشور نماید.¹²⁷ کمیته ملی آرامنه آمریکا به خاطر اینکه کشور اسرائیل متحد ترکیه است آشکارا از آن انتقاد می کند چون به همین خاطر از حمایت اسرائیل و شناسایی نسل کشی آرامنه بی بهره مانده است.¹²⁸

انجمن آرامنه آمریکا، علاوه بر تلاشهای لابیگریانه اش در بین اعضای کنگره، تمرکز خود را بر روی افزایش مستندات مربوط به نسل کشی آرامنه کرده است. انجمن از سازمان ملی آرامنه (ANI)، که مرکزی برای شناسایی و اثبات نسل کشی آرامنه است، حمایت به عمل می آورد.¹²⁹ در سال ۲۰۰۰، سازمان ملی آرامنه کنفرانسی با عنوان "پاسخ آمریکایی به نسل کشی آرامنه" در واشنگتن برگزار کرد که محققین و اعضای موزه یادبود هولوکاست ایالات متحده در آن حضور یافته بودند.¹³⁰ سازمان ملی آرامنه همچنین میکوشد با استفاده از یک طرح قانونی شرکت های بیمه را مجبور کند همانطور که به یهودیان بازمانده از هولوکاست خسارت پرداخته اند همین کار را در مورد بازماندگان ارمنیان قربانی نسل کشی تکرار کنند.¹³¹ اضافه بر این، سازمان ملی آرامنه یک برنامه آموزشی را در مورد نسل کشی آرامنه توسعه داده است و انجمن ملی آرامنه میکوشد با لابیگری آنرا در برنامه آموزشی مدارس دولتی ایالات متحده قرار دهد.¹³² در سال ۲۰۰۰، انجمن پروژه ای را آغاز کرد که بر اساس آن می خواهد موزه و یادبود نسل کشی آرامنه را تاسیس کند. با اهدای پول توسط دو ارمنی-آمریکایی برجسته انجمن توانست ساختمانی را در تقاطع خیابان چهاردهم و جی در واشینگتن دی سی، که فقط دو بلوک از کاخ سفید فاصله دارد، خریداری کند.¹³³

انجمن، این موزه را در صدر اولویت هایش قرار داده است.

۲. قاراباغ

در اوایل فوریه ۱۹۸۸ آرامنه جمهوری ارمنستان شوروی خیابانهای نزدیک ایروان، پایتخت جمهوری سابق شوروی، را بر روی انتقال مواد هسته ای سمی و ماشین آلات شیمیایی بستند.¹³⁴ این آشوب با افزایش خواسته ها مبنی بر اتحاد ناگورنو قاراباغ و جمهوری ارمنستان گسترش و توسعه یافت.¹³⁵ در ۲۸ فوریه بعد از اینکه آرامنه قاراباغ به جدایی از آذربایجان رأی دادند، شورشیهای نژادی در شهر آذری نشین سومقاییت منجر به کشته شدن ۲۵ الی ۲۵۰ نفر شد که اکثراً ارمنی بودند.¹³⁶ این خشونتها بی بند و بار بین آرامنه و آذربایجان ساکن منطقه باعث سرازیر شدن حداقل ۶۰۰۰۰۰ پناهنده به این دو جمهوری شد.¹³⁷ این کشمکش بین دو جمهوری، با اعلام استقلال شان در سال ۱۹۹۱ تبدیل به یک جنگ تمام عیار شد. مبارزین ارمنی موفق شدند علاوه بر قاراباغ، ده درصد دیگر از سرزمین آذربایجان را به دست آورند، دالان لاجین که

قاراباغ را به ارمنستان متصل میکرد هم شامل این بخش بود.¹³⁸ در سال ۱۹۹۴ مسئولین آذربایجان و قاراباغ با پیشنهاد آتش بسی که روسیه از آن حمایت می کرد موافقت نمودند.¹³⁹ در حال حاضر این تنش حل نشده است چون ارمنستان بخشی از سرزمین آذربایجان را اشغال کرده است و آذربایجان و ترکیه، ارمنستان و ناگورنو قاراباغ که بین آنها محصور شده را تحریم کرده اند. از کوششهای اخیر برای مذاکره جهت یافتن راه حل می توان به گفتگوهای کی وست (Key West) در آوریل ۲۰۰۱ اشاره کرد. هم کمیته ملی ارمنه آمریکا و هم انجمن ارمنه آمریکا لابیگری میکنند تا ایالات متحده استقلال قاراباغ را به رسمیت بشناسد و کمکهای بیشتری را معطوف آن سرزمین محصور بکند. با وجود این به نظر میرسد که کمیته ملی ارمنه آمریکا بیشتر از انجمن خود را درگیر مسئله قاراباغ کرده است. کمیته ملی ارمنه با سماجت بر شناسایی حق خود مختاری قاراباغ تاکید دارد و شناسایی آن از طرف ایالتیهای ماساچوست و رود آیلند را موفقیت به حساب می آورد.¹⁴⁰ شاریستان آردهالجان رئیس کمیته ملی ارمنه آمریکا میگوید: «از نظر ما هر قدرتی که بخواهد حق خود مختاری ارمنه قاراباغ را انکار کند یا هر کسی که دوست داشته باشد قاراباغ بخشی از آذربایجان باقی بماند، یک انسان میانه رو و صادق نیست، چون این به معنی چشم پوشی از تاریخ، پاداش دادن به تجاوز و نقض حقوق بشر و انکار حقوق غیرقابل انتقال فردی و حق آزادی دسته جمعی خواهد بود.»¹⁴¹

دانشناکسیتیون علاوه بر لابیگری در مورد مسئله قاراباغ، نفوذ زیادی هم در حکومت قاراباغ دارد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ بعد از اینکه آنها نتوانستند در اولین انتخابات به قدرت بازگردند قاراباغ را سنگر خود قرار داد.¹⁴² طبق گزارشات رسیده ارمنه پراکنده با ملحق شدن به دانشناکسیتیون در واقع به منطقه بازگشتند تا برای آزاد سازی قاراباغ از تحت کنترل آذربایجان، و اتحاد آن با ارمنستان مبارزه کنند.¹⁴³ همچنین گزارش شده است که ارمنه کالیفرنیا و فرانسه در انتقال تسلیحات به قاراباغ کمکهای مالی نمودند.¹⁴⁴ تلاشهای کمیته ملی ارمنه آمریکا و جبهه ملی ارمنه آمریکا از طریق کانالهای رسمی لابیگری و حمایتی غیر رسمی انسانی و مادی، برای به دست آوردن استقلال قاراباغ شایان توجه می باشد. انجمن ارمنه آمریکا با استفاده از ابزاری متفاوت در مورد مسئله قاراباغ لابیگری می کند. این انجمن در گزارش سالانه ۲۰۰۰ خود فقط دو پاراگراف را به قاراباغ اختصاص داده بود، که در آن اشاره ای به دیدار مقامات رسمی عالی رتبه، رهبران و نمایندگان محلی سازمانهای بین المللی با قانونگذاران آمریکایی و روزنامه نگاران ارمنی و خارجی شده بود.¹⁴⁵ در سایر جاهای گزارش سالانه، انجمن بر اعتماد سازی بین ارمنستان و آذربایجان تاکید زیادی کرده بود که شامل مطالعات منابع انرژی، منابع حمل و نقل منطقه ای، مدیریت آب، و سایر مسائل مربوط به بشردوستی بود.¹⁴⁶ به همین دلیل روش انجمن در مورد مسئله قاراباغ بر خلاف کمیته ملی ارمنه آمریکا، غیر مستقیم و در واقع مبتنی بر همکاری و دارای لحن سازش گرایانه است.

۲. بخش ۹۰۷

حفظ بخش ۹۰۷ لایحه حمایت از آزادی، بزرگترین گواه بر موفقیت لابی ارمنی است. لایحه حمایت از آزادی در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید که در مورد حمایت مالی و فنی از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق می باشد.¹⁴⁷ بخش ۹۰۷ به عنوان ضمیمه این لایحه به تصویب رسید که طبق آن تا زمانیکه آذربایجان به خصومتش با ارمنستان ادامه دهد و دست از تحریم این کشور بردارد از دریافت کمکهای ایالات متحده محروم خواهد بود.¹⁴⁸ با وجود تلاشهای زیاد سایر گروههای لابی مخالف که از معروفترین آنها می توان به لابیهای چهارده شرکت نفتی، انجمن های تورک (Turkish Caucus) و طرفدار اسرائیل اشاره کرد، هنوز هم بخش ۹۰۷ به قوت خود باقی است.¹⁴⁹ این گروهها خواستار لغو بخش ۹۰۷ و اعمال کامل لایحه استراتژی جاده ابریشم هستند، که در آن از آذربایجان و کشورهای همسایه آسیای مرکزی حمایت میشود، مخصوصا برای توسعه اقتصادی تا در مقابل ایران، چین و اصول گرایان اسلامی در تعادل قرار داشته باشند.¹⁵⁰ در سال ۱۹۹۹ بخش ۹۰۷ فقط با یک رای توانست در مجلس سنا از فسخ شدن نجات یابد.¹⁵¹ در اکتبر سال ۲۰۰۱ و در سایه ۱۱ سپتامبر، مجلس سنا لایحه ای را به اتفاق آرا تصویب کرد که در آن به رئیس جمهور این اختیار را می داد که می توانست در صورتیکه منافع امنیت ملی ایالات متحده ایجاب کند از محدودیت هایی که بر آذربایجان تحمیل شده چشم پوشی کند.¹⁵² علی الخصوص این بحث به میان آمده بود که گسترش مبارزین اسلام گرا سایر سرزمینها را هم نگران کرده است. لایحه کمکهای خارجی در سال ۲۰۰۲ به رییس جمهور این قدرت را میداد که میتواند در صورت صلاحدید به صورت نامحدود بخش ۹۰۷ را کنار بگذارد.¹⁵³ در اواخر ژانویه ۲۰۰۲ پرزیدنت بوش این گزینه را به کار برد، و با وجود مخالفت شدید ارمنه، دروازه را برای کمکهای بالقوه به آذربایجان باز کرد.¹⁵⁴

هم کمیته ملی ارمنه آمریکا و هم انجمن ارمنه آمریکا برای تصویب بخش ۹۰۷ در سال ۱۹۹۲ لابیگری بسیاری کرده بودند و برای حفظ آن به لابیگریشان ادامه داده بودند. هر دو گروه لابی برای کسب اطمینان از برقراری بخش ۹۰۷ استراتژیها و تاکتیکهای مشابهی را به کار گرفته بودند که میتوان به حمایت از گروههای دوحزبی کنگره و کمپینهای نامه نویسی برای تشویق حمایت از این بخش اشاره کرد. در ۲۸ مارس ۲۰۰۱

آرام سارافیان نماینده کمیته ملی آرامنه آمریکا، در محل کمیته فرعی بودجه عملیات خارجی مجلس در مورد بخش ۹۰۷ تصریح کرد:

«کمیته ملی آرامنه آمریکا از قانون محدود کننده کمکهای ایالات متحده به حکومت آذربایجان حمایت میکند و هر کوششی جهت تضعیف، چشم پوشی و تحریم آنرا محکوم میکند. در حالیکه مذاکرات همچنان ادامه دارند هرکوششی برای فرار از قصد و هدف مواد قانون میتواند توسط حکومت آذربایجان به عنوان یک نشانه آشکار برای تجدید تجاوز باشد.»¹⁵⁵

انجمن آرامنه آمریکا هم از بخش ۹۰۷ به شدت حمایت میکند که اشعار میدارد: "بخش ۹۰۷ تا زمانیکه حکومت آذربایجان به محاصره ارمنستان و ناگورنو قاراباغ ادامه دهد کمکهای ایالات متحده را به این کشور محدود میکند ... با وجود کوششهایی برای تضعیف بیشتر بخش ۹۰۷، انجمن آرامنه آمریکا و متحدینش در کنگره توانسته اند بخش ۹۰۷ را در وضعیت فعلی اش حفظ نمایند."¹⁵⁶

بین اعضای انجمنهای ارمنی و آنهایی که به برقرار ماندن بخش ۹۰۷ رأی میدهند ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به عنوان نمونه رأی گیری در مورد لغو این بخش در مجلس در سال ۱۹۹۸ که با شکست مواجه شد، حاکی از ارتباط تنگاتنگ اعضای انجمن و آرایبی که به منجر به شکست اصلاح آن شدند میباشد.¹⁵⁷ به همین خاطر متحدین انجمن کوشیدند از طریق قانون گذاری به حمایت قاطع از نهضت‌های آرامنه بپردازند. در مقابل به نظر میرسد که کمکهای مالی مثل کمکهای کمیته لایحه سیاسی (PAC) به کاندیداهای کنگره تاثیر اندکی در رأی آنان در مورد بخش ۹۰۷ داشته باشد. کمیته های لایحه سیاسی نفتی به طور متوسط هر دو سال نزدیک به ۷ میلیون دلار به اعضای کنگره کمک می کند در حالیکه کمیته های لایحه سیاسی ارمنی به طور متوسط هر دو سال فقط ۲۶۶۸۱ دلار کمک میکنند.¹⁵⁸ به همین خاطر موفقیت لابیهای ارمنی در حفظ بخش ۹۰۷ به نظر نمی رسد که به خاطر کمکهای مالی بوده باشد.

۴. کمک به ارمنستان

تامین کمکهای اقتصادی و فنی ایالات متحده به جمهوری استقلال یافته ارمنستان از اولویت های کمیته ملی آرامنه آمریکا و انجمن آرامنه آمریکا بوده است. وارد کردن فشار برای کمک به این جمهوری از زلزله ۷ دسامبر ۱۹۸۸ آغاز شد، که در آن بیش از ۲۵۰۰۰ ارمنی کشته، ۱۹۰۰۰ زخمی و ۵۰۰۰۰۰ بی خانمان شدند.¹⁵⁹ کمیته ملی آرامنه آمریکا و انجمن آرامنه آمریکا علاوه بر جمع آوری پول برای قربانیان زلزله، برای کمکهای ایالات متحده به این کشور تازه به وجود آمده لابیگری کردند؛ با تاکید بر اینکه محاصره ارمنستان توسط ترکیه و آذربایجان مانع از فرآیند بازسازی آن میشود.¹⁶⁰ کمیته ملی آرامنه آمریکا و انجمن آرامنه آمریکا ادعا می کنند که هر سال حداقل ۹۰ میلیون دلار به ارمنستان و قاراباغ کمک مالی تامین میکنند و اسرائیل قفقاز را نام مستعار ارمنستان انتخاب کرده اند [براندا شافر مسول پروژه خزر شناسی دانشگاه هاروارد آمریکا با اشاره به کمک ۱.۴ میلیارد دلاری کنگره به جمهوری ارمنستان آنرا بیشترین مبلغ سرانه کمکی به جمهوری های تازه استقلال یافته عنوان می دارد/م.آ]. در سال ۱۹۹۹ کنگره کوشید تا کمک به ارمنستان را به ۷۵ میلیون دلار کاهش دهد. به خاطر تلاشهای کمیته پارلمانی مبلغ حداقل ۹۰ میلیون دلار تغییری نکرد.¹⁶¹ در سال ۲۰۰۱ گروههای لابی ادعا کردند که در ترغیب کمیته فرعی بودجه عملیات خارجی مجلس سنای ایالات متحده به حفظ مبلغ ۹۰ میلیون دلار کمک به ارمنستان موفق بوده اند. در واقع لایحه کمک خارجی در سال ۲۰۰۳ مبلغ ۹۰ میلیون دلار برای کمکهای اقتصادی را حفظ کرد و همچنین برای اولین بار در مجموع بیش از ۴ میلیون دلار کمک نظامی را به آن اضافه کرد.¹⁶²

کمیته ملی آرامنه آمریکا، انجمن آرامنه آمریکا و سازمانهای هم نژاد آنان با راههای مشابه برای ارمنستان بودجه تامین میکنند. در ۲۸ مارس ۲۰۰۱ نماینده کمیته ملی آرامنه آمریکا در کمیته فرعی بودجه عملیات خارجی مجلس در مورد مسائل ارمنستان تصریح کرد که:

«کمیته ملی آرامنه آمریکا از همان بودجه های اختصاص داده شده به منطقه قفقاز جنوبی و ارمنستان در سال مالی ۲۰۰۰ حمایت میکند ... این مقدار میتواند اثرات مخرب تحریمهای ترکیه و آذربایجان را خنثی کند و به ارمنستان کمک کند تا به تحول سیاسی و اقتصادی خودش ادامه دهد. علی الخصوص ... کمک آمریکا میتواند از اقتصاد و زیرساختها حمایت کند و موسسات دموکراتیک را نیرومندتر ساخته و باعث برآورده شدن نیازهای بشر دوستانه و توسعه آن کشور شود.»¹⁶³

کمیته ملی آرامنه آمریکا ادعا میکند که کمک به ارمنستان و ناگورنو قاراباغ را از طریق تلاشهایش در تعلیم کمیته فرعی بودجه عملیات خارجی مجلس و از طریق دستیابی به بسیج محلی در ترغیب آرامنه ایالات متحده به تماس با اعضای کنگره و تشویق آنان به حمایت از کمکها از راه قانونگذاری را توانسته حفظ نماید.¹⁶⁴

انجمن آرامنه آمریکا هم ادعای موفقیت در این مرحله و حفظ کمک به ارمنستان و قاراباغ را دارد. علاوه بر ۹۰ میلیون دلار سالانه، انجمن آرامنه آمریکا ۱۵ میلیون دلار به عنوان بودجه راه انداز برای شتاب دهنده منبع روشنیابی دستگاه تقویت و تسریع ذرات باردار الکترونی (SESAME) تامین و اختصاص می دهد.¹⁶⁵ همچنین اتحادیه خیرخواهی آرامنه (AGBU) ۹ میلیون دلار برای اعطا به دانشگاه آمریکایی در ایروان دریافت کرد.¹⁶⁶ علاوه بر این انجمن آرامنه آمریکا، موسسه غیردولتی مرکز کارآموزی و کاردانی (NGOC) را در سال ۱۹۹۴

راه اندازی کرد که به دنبال کمک به آرامنه و موسسات تازه تاسیس یافته آنها که برای شکل دهی تحول مثبت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تشکیل شده اند میباشد.¹⁶⁷ این موسسه غیر دولتی از آغاز کارش ۱۴۰ کمک خرد به موسسات غیردولتی محلی برای پیشبرد پروژه هایشان اعطا کرده است.¹⁶⁸

۵. قطع فروش تسلیحات به ترکیه و پروژه خط لوله خزر

به نظر می رسد که کمیته ملی آرامنه آمریکا برای دو هدف سیاسی اصلی لابیگری میکند: قطع فروش تسلیحات به ترکیه و منع مالیات دهنده آمریکایی از سرمایه گذاری در خط لوله باکو-جیحان که از کنار ارمنستان میگذرد. ترکیه به عنوان یک عضو ناتو (NATO) کمکهای نظامی قابل توجهی از ایالات متحده دریافت میکند. کمیته ملی آرامنه آمریکا به همراه سایر گروههای لابی کرد و یونانی از ایالات متحده میخواهند که به خاطر لایحه کریپور کمکهای بشر دوستانه، که طبق آن کمک به کشوری که از کمکهای ایالات متحده به کشور ثالث جلوگیری میکند، را تحریم میکند، کمکهای نظامی و اقتصادی خود به ترکیه را به حالت تعلیق درآورد.¹⁶⁹ ترکیه به همراه آذربایجان، ارمنستان را تحریم کرده است و مانع از رسیدن کمکهای بشردوستانه به افراد این منطقه میشود. کمیته ملی آرامنه آمریکا طبق قانون رفتار قانونگذاری که طبق آن فروش تسلیحات برای نقض حقوق بشر منع شده است خواستار توقف کمکهای نظامی ایالات متحده به ترکیه شده است. همچنین کمیته ملی آرامنه آمریکا، انکار نسل کشی آرامنه، رفتار با کردها، تحریم ارمنستان و قاراباغ، اشغال قبرس شمالی و طرز رفتار با مسیحیان در داخل مرزها را مسائلی میداند که به خاطر آنها میبایست فروش تسلیحات به ترکیه قلعن گردد.¹⁷⁰

در این اواخر کمیته ملی آرامنه آمریکا کمپینی را آغاز کرد که هدف آن جلوگیری از کمک ایالات متحده به ساخت خط لوله ای بود که از طریق آن نفت دریای خزر از طریق آذربایجان به بندر جیحان در ترکیه انتقال می یابد. خط لوله باکو-جیحان از اوایل دهه ۱۹۹۰ مد نظر ایالات متحده بوده است، اما اهداف دولت بوش دوم برای توسعه منابع جدید انرژی علاقه به این پروژه را دوباره تجدید کرد.¹⁷¹ کمیته ملی آرامنه آمریکا با این طرح مخالفت کرد چونکه این خط لوله از کنار سرزمین ارمنستان عبور میکند از منافع آجاره آن چیزی عاید این کشور نمیشود. چهار عضو کمیته های پارلمانی کنگره در ژوئن سال ۲۰۰۱ قطعنامه ۱۶۲ مجلس را مطرح کردند که طبق آن عدم تخصیص کمک هزینه ای برای خط لوله ای که طبق آن از یکپارچگی ارمنستان در منطقه جلوگیری کند؛ مطالعه هزینه و تاثیر مسیراهایی که شامل مسیر عبور از ارمنستان هم می شد؛ و همچنین برآورد تاثیر هزینه خط لوله بحث شده بود.¹⁷² برای مطالعه خلاصه اهداف سیاسی ارمنی-آمریکایی به نمودار ب نگاه کنید.

به طور خلاصه، با وجود تفاوتی کمیته ملی آرامنه آمریکا و انجمن آرامنه آمریکا آنها در واشنگتن به صورت یک جبهه متحد عمل میکنند. کوششهای لابی گرایانه ارمنی با دو عامل نیرومند میشود. اول اینکه این گروهها متحدین کنگره ای مهمی دارند، که از مهمترین آنها میتوان به کمیته های پارلمانی دو حزبی ارمنی مجلس، گروههای دموکراتیک و جمهوری خواه ارمنی، و اعضای کلیدی دلسوز به مسائل آرامنه اشاره کرد. دوما، حضور متحدین با اهداف سیاسی متحد لابی های ارمنی نیرومند میشود؛ شناسایی نسل کشی، استقلال قاراباغ و کمک به آنجا، حفظ بخش ۹۰۷، و کمک به ارمنستان.

با وجود اهداف مشترک، باید گفت که روشهای کمیته ملی آرامنه آمریکا و انجمن آرامنه آمریکا برای رسیدن به این اهداف متفاوت است. نتیجه، ابزار مختلفی میشود که بر روی اهداف مشابه متمرکز شده اند، و همین باعث افزایش قدرت نمایش و تاثیر گذاری لابی ارمنی در کپیتل هیل میشود.

نتیجه

موفقیت این این گروه اقلیت نژادی در نایل شدن به اهدافش، به طور کلی بیانگر مسائلی درباره لابی های نژادی ایالات متحده است. اولاً، اندازه یک گروه نژادی ضرورتاً تعیین کننده توانایی آن در تاثیر بر فرآیند سیاست خارجی ایالات متحده نمی باشد. آرامنه در مقایسه با سایر گروههای نژادی مشابه خودشان، تعداد کمتری دارند و با وجود این در لابیگری به موفقیتهای قابل توجهی دست یافته اند. در واقع این پاسخی است به فرضیه اولیه اسمیت که سیاستهای انتخاباتی (افراد واجد صلاحیت برای رای دادن در انتخابات رییس جمهوری) مهمترین فاکتور برای تشخیص تاثیر گروه نژادی بر واشنگتن است. جمعیت ارمنی-آمریکایی در تعداد کم می باشد و در چند منطقه مانند کالیفرنیا، جنوبی، ماساچوست، قسمتهایی از نیویورک و نیوجرسی و در برخی حوزه های انتخاباتی کوچک فلوریدا و ایلینوا متمرکز شده اند. به همین خاطر تمرکز آرامنه فقط تاثیر اندکی بر برخی انتخابات کنگره دارد.

ثانیاً، در پاسخ به فرضیه دوم اسمیت که لابی های نژادی تاثیرشان را از طریق کمپینهای مالی به دست می آورند، مورد آرامنه نشان میدهد که گروه لابی نژادی نیاز ندارد که برای تثبیت تاثیرش در واشنگتن مبالغ هنگفتی پول هزینه کند. لابی های نفتی به صورت قابل توجهی خیلی بیشتر از آرامنه در کمکهای مالی کمیته لایحه سیاسی پول هزینه میکنند، اما با وجود این، لابی های ارمنی توانسته اند قانون مورد نظرشان را که از سرمایه گذاری دولت فدرال در اکتشاف و تولید نفت در آذربایجان بر حذر میدارد، حفظ کنند. پس لابی های ارمنی تاثیرشان را با ابزاری به غیر از کمپین مالی اعمال می نمایند.

ثالثاً، به نظر مي رسد موفقیت لابی ارمني وابسته به سازماندهی عالی آن، خواسته های سیاسی شفاف، و اتحاد با کنگره مانند کمیته های پارلمانی آرامنه و ایجاد شبکه با سایر لابی ها و موسسات باشد. علاوه بر آن، توانایی آرامنه در بسیج کردن حمایتها هم از اجزای اصلی اش و هم در داخل واشنگتن، که توسط رقابت بین يك جامعه تقسیم شده مورد كمك واقع میشود، به تلاشهای لابیگرایانه آن كمك میکند. آرامنه به همراه متحدین خارجی شان موفقیت لابی گرایانه قابل توجهی را به دست آورده اند. رابعا، به نظر مي رسد که توجه ایالات متحده به ارمنستان به اعمال دموکراتیک این کشور بستگی نداشته باشد. كمك ایالات متحده به ارمنستان با زلزله سال ۱۹۸۸ آغاز شد و در دهه ۱۹۹۰ تداوم یافته است. حکومت ارمنستان سابقه متناوبی در اعمال دموکراسی داشته است. آنها از يك شورش مسلحانه در ناگورنو قاراباغ حمایت کرده اند که نتیجه اش علاوه بر جدایی قاراباغ، اشغال ده درصد از سرزمین آذربایجان شده است. علاوه بر اینها در حکومت فساد رخنه کرده است، حکومت از سال ۱۹۹۸-۱۹۹۴ اعضای کلیدی دانشاکیستیون را تحریم و زندانی و رسانه ها را سانسور کرده است. اینها کارکردهای لیبرال دموکراسی نیستند.

نمودار ب: روشها و اهداف سیاسی

شناسایی نسل کشی	کمیته ملی آرامنه آمریکا (ANCA)	انجمن آرامنه آمریکا (Assembly)
<ul style="list-style-type: none"> سطح شهری و کشوری شناسایی بین المللی مطالبه زمین و غرامات جنگی 	<ul style="list-style-type: none"> همکاری با موزه هولوکاست ایالات متحده موزه هولوکاست ارمني مطالبات بیمه 	
ناگورنو قاراباغ	<ul style="list-style-type: none"> لابی گری برای شناسایی و كمك ایالات متحده لابی گری برای شناسایی بین المللی اتحاد مجدد مشروط نیروی انسانی و تجهیزات جهت مبارزه برای استقلال 	لابی گری برای شناسایی و كمك ایالات متحده
بخش ۹۰۷	حمایتهای دو حزبی برای حفظ این بخش	حمایتهای دو حزبی برای حفظ این بخش
كمك ارمنستان به	حداقل ۹۰ میلیون دلار از طریق حمایتهای دو حزبی	<ul style="list-style-type: none"> حداقل ۹۰ میلیون دلار از طریق حمایتهای دو حزبی كمكهای اضافی فدرال از طریق پروژه های اتحادیه خیرخواهی آرامنه (AGBU)
ممانعت از خط لوله باکو-جیهان	<ul style="list-style-type: none"> تقاضای شمول ارمنستان در پروژه خط لوله تقاضای مطالعه برای مسیرهای جانشین 	
ممانعت فروش تسلیحات به ترکیه	<ul style="list-style-type: none"> اتحاد با کردها، یونانیها و یونانیهای قبرس مطرح کردن نقض حقوق بشر به عنوان زمینه ای برای منع فروش تسلیحات مطرح کردن تحریم ارمنستان به 	

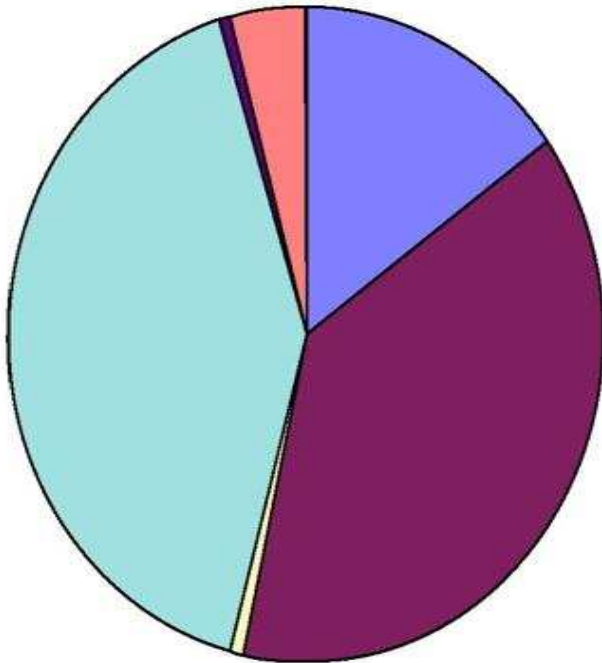
	عنوان زمینه ای برای منع فروش تسلیحات	
--	---	--

اگر ارمنستان به خاطر پتانسیل خود برای حکومت لیبرال دموکراسی پاداش دریافت میکند در آن صورت این منطق میتواند در مورد هر کشور تازه استقلال یافته ای مانند آذربایجان هم به کار رود. به همین خاطر مشکل است که بگوییم ارمنستان به خاطر فعالیتهای دموکراتیک در منطقه مورد حمایت قرار میگیرد. در نهایت، روی هم رفته مورد ارامنه به این معنی نیست که گروههای لابی نژادی میتوانند اهداف سیاسی خارجی ایالات متحده را به سمت و سوی خاص سوق دهند. منافع ایالات متحده در منطقه قفقاز نیازمند ترجیح ارمنستان به همسایگانش نیست، با وجود این، ابراز نظرات حامیان ارامنه در کنگره موفق شده است از طریق قانونگذاری کمکهای قابل توجهی در راستای حمایت ارمنستان و تنبیه دشمنان آن به بار آورد. حفظ بخش ۹۰۷ لایحه حمایت از آزادی که آشکارا به نفع ارمنستان و به ضرر آذربایجان است قویترین مدرک برای تأثیر ارامنه در قانونگذاری سیاست خارجه ایالات متحده است. سطح بالایی کمک خارجی ایالات متحده به ارمنستان که فقط ۲ میلیون تبعه دارد گواه محکمی بر حمایت لابی های ارمنی و فشار متحدین کنگره ای آنان بر سیاست خارجی ایالات متحده است.

ضمیمه الف: آرای اخذ شده برای حفظ بخش ۹۰۷، کنگره ۱۰۵ام

رای مثبت پارلمانی، کمیته های سایرین، رای مثبت	رای مثبت پارلمانی، کمیته های سایرین، رای مثبت	رای مثبت پارلمانی، کمیته های سایرین، رای مثبت	رای مثبت پارلمانی، کمیته های سایرین، رای مثبت	رای مثبت پارلمانی، کمیته های سایرین، رای مثبت
۶۵	۱۶۶	۴	۱۷۸	۳
۱۸				

مجموع آرای اخذ شده برای پیشنهاد اصلاحی ۹۰۲



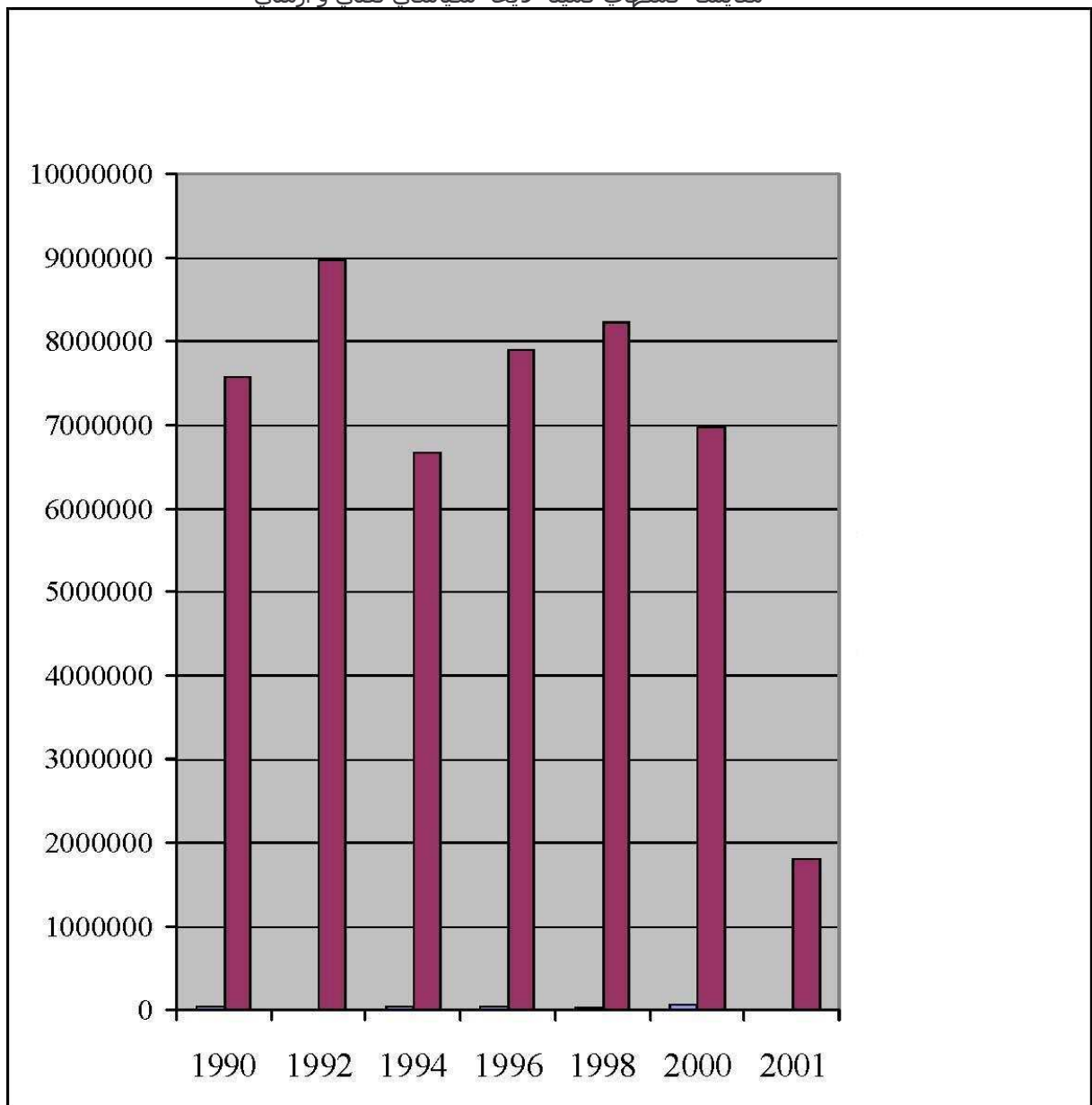
کمیته های پارلمانی رأی مثبت
 سایرین، رأی مثبت
 کمیته های پارلمانی، رأی منفی
 سایرین، رأی منفی
 کمیته های پارلمانی، رأی ممتنع
 سایرین، رأی ممتنع



ضمیمه ب: کمکهای کمیته لایحه سیاسی نفتی (PAC*) و ارمنی

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۲	۱۹۹۴	۱۹۹۶	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۱
ارمنی	۲۹۰۱۰	۷۵	۲۵۵۲۵	۴۳۳۵۵	۲۰۲۵۰	۵۷۵۵۰	۱۰۰۰
نفت	۷۵۶۴۵۸۹	۸۹۶۹۴۵۰	۶۶۷۴۸۵۷	۷۸۹۲۵۶۸	۸۲۳۲۷۹۸	۶۹۷۷۵۸۵	۱۷۹۳۸۵۷

مقایسه کمکهای کمیته لایحه سیاسی نفتی و ارمنی



ارمني
نفت



* آمار کمیته لایحه سیاسی (PAC) تنها منعکس کننده کمک‌هایی هستند که به کنگره شده اند.
این آمار برگرفته از سایت opensecrets.org و خط پول سیاسی (Political Money Line) می باشند.

کتاب شناسی لابی‌های نژادی

Clough, Michael, "Grass-Roots Policymaking: Say Good-bye to the Wisemen," in *Foreign Affairs* (January/February, 1994).

Connor, Walker, "Diasporas and the Formation of Foreign Policy: The US in Comparative Perspective," in *Diasporas in World Politics: The Greeks in Comparative*

Perspective, edited by Dimitri C. Conostas and Athanassios G. Platias (London: Macmillan in association with the Institute of International Relations, Panteion University, 1993).

Diasporas in World Politics: The Greeks in Comparative Perspective, edited by Dimitri C. Conostas and Athanassios G. Platias (London: Macmillan in association with the Institute of International Relations, Panteion University, 1993).

Huntington, Samuel P., "The Erosion of American National Interests," in *Foreign Affairs* (September/October, 1997).

Shain, Yossi, *Marketing the American Creed Abroad: Diasporas in the US and their Homelands* (Cambridge: Cambridge University Press, 1999).

Smith, Tony, *Foreign Attachments: The Power of Ethnic Groups in the Making of American Foreign Policy* (Cambridge: Harvard University Press, 2000).

Schlesinger, Arthur M., Jr., *The Disuniting of America: Reflections on a Multicultural Society* (New York: WW Norton, 1992).

Trice, Robert H., *Interest Groups and the Foreign Policy Process: US policy in the Middle East*, (Beverly Hills: Sage Publications, 1976).

تاریخ ارمني

"Armenia...and Presidents Go," *The Economist*, February 7, 1998, p. 54.

"Armenia lives," *The Economist*, May 23, 1992, p. 54.

"Armenian Terrorism: That Beirut Virus," *The Economist*, August 14, 1982, p. 20.

Armenian Pamphlets Box, Widner Library, Harvard University, OTT 3453 02.

"As the Sparks Fly Upward from Nagorno-Karabakh," *The Economist*, March 5, 1988, p.49.

"Bang Goes Another Republic," *The Economist*, February 27, 1988, p. 39.

"The Dream and the Terror," *The Economist*, July 23, 1983, p. 51.

"Eastern Europe's Diasporas: The Homecoming," *The Economist*, December 26, 1992, pp. 73-80.

"Enter the Army," *The Economist*, January 20, 1990, p. 47.

Hewsen, Robert H., *Armenia: A Historical Atlas* (Chicago: University of Chicago Press, 2001).

Hovannisian, Richard G., "Etiology and Sequelae of the Armenian Genocide," in *Genocide: Conceptual and Historical Dimensions*, edited by George J. Andreopoulos (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1994).

"Nagorno-Karabakh: What We Have We Mostly Hold," *The Economist*, September 21, 1996, p. 53.

The Sumgait Tragedy: Pogroms Against Armenians in Soviet Azerbaijan: Volume 1, Eyewitness Accounts, compiled and edited by Samvel Shahmuratian, translated by Steven Jones (New Rochelle and Cambridge: Aristide D. Cartzas and Zoryan Institute, 1990).

Tololyan, Khachig, "Cultural Narrative and the Motivation of the Terrorist," in *Journal of Strategic Studies* 10:4 (December 1987) pp. 217-233.

_____, "Elites and Institutions in the Armenian Diaspora," *Diaspora: A Journal of Transnational Studies*, Vol. 9, No. 1 (Spring 2000) pp. 107-136.

"UnArmenian Activities," *The Economist*, February 6, 1982, p. 20.

ارامنه در ايالات متحده

The AGBU Biennial Report: 1998-1999 (taken from website, www.agbu.org).

The Armenian Assembly of America Annual Report, 2000 (taken from website, www.aaainc.org).

The Armenian Assembly of America: Membership Spotlight 2000 (taken from website, www.aaainc.org).

Ashjian, Mesroh, *The Armenian Church in America* (New York: Armenian Prelacy, 1985).

The AYF Legacy: Portrait of a Movement in Historical Review, 1933-1993 (Watertown: Armenian Youth Federation, 1994).

Bakalian, Anny, *Armenian-Americans: From Being to Feeling Armenian* (New Brunswick: Transaction Publishers, 1993).

Mirak, Robert, *Torn Between Two Lands: Armenians in America, 1890 to World War I*, (Cambridge: Harvard University Press, 1983).

Paul, Rachel Anderson, "Grassroots Mobilization and Diaspora Politics: Armenian Interest Groups and the Role of Collective Memory," *Nationalism and Ethnic Politics*, Vol. 6, No. 1, (Spring, 2000), pp. 24-47.

Phillips, Jenny, *Symbol, Myth, and Rhetoric: The Politics of Culture in an Armenian-American Population* (New York: AMS Press, 1989).

"Section 907 of the Freedom Support Act," Armenian Assembly of America website, www.aaainc.org.

ارامنه در بریتانیا

Nassibian, Akaby, *Britain and the Armenian Question, 1915-1923* (New York: St. Martins Press, 1984).

منطقه اي

Barton, James L., *The Story of Near East Relief (1915-1930): An Interpretation*, (New York: The Macmilan Company, 1930).

Rahr, Alexander, "Caspian Oil," in *Internationale Politik: Transatlantic Edition* (Vol. 2, Summer 2001) pp. 80-84.

Rieff, David, "Case Study in Ethnic Strife: Nagorno-Karabakh," in *Foreign Affairs*, (March/April, 1997).

Trask, Roger, *The United States' Response to Turkish Nationalism and Reform, 1914-1939* (Minneapolis: University of Minnesota Press, 1971).

مدارك كنگره

"Congressional Record, Wednesday, June 30, 1999," pp. 1-37, taken from the Armenian Assembly of America Webiste, www.aaainc.org.

"Final Vote Results for Roll Call 447: HR 4569," September 17, 1998, *Roll Calls for the House 105th Congress*, <http://thomas.loc.gov>.

"HR 2867: The Silk Road Strategy Act of 1997, 105th Congress," and "S.579, The Silk Road Strategy Act of 1999, 106th Congress," (also called the Brownback Amendment), *Congressional Universe, Congressional Universe*, <http://web/lexis-nexis.com>.

McConnell Amendment, which keeps Section 907 in place, 53 in favor and 45 opposed, "Congressional Record," p. 32.

PL 102-511, "Freedom for Russia and Emerging Eurasian Democracies and Open Markets Support Act of 1992," taken from *Congressional Universe*, <http://web/lexisnexus.com>.

"S. 1521 Bill Tracking Record," *Congressional Universe*, <http://web/lexis-nexis.com>.

"Section 907 of the Freedom Support Act," Armenian Assembly of America Website, www.aaainc.org, (downloaded on 8/7/01).

رقابت و ثنوري سازماني

Halperin, Morton H., *Bureaucratic Politics and Foreign Policy* (Washington, DC: The Brookings Institute, 1974).

لايبهاي حامي اسرائيل

Goldberg, David Howard, *Foreign Policy and Ethnic Interest Groups: American and Canadian Jews Lobby for Israel* (New York: Greenwood Press, 1990).

Mittelberg, David, *The Israel Connection and American Jews* (Westport and London: Praeger, 1999).

Tivnan, Edward, *The Lobby: Jewish Political Power and American Foreign Policy* (New York: Simon and Schuster, 1987).

Trice, Robert H., *Interest Groups and the Foreign Policy Process: US Policy in the Middle East* (Beverly Hills and London: Sage Publications, 1976).

مقالات / گزارشات ارمني-آمریکایی

Adanalian, Garo, "Pursuing the American Cause in the 21st Century: An Interview with Sharistan Ardhdaldjian [of ANCA]," *The Armenian Weekly Online* (May 2001), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

"ANCA Issues Statement on Genocide Resolution," *The Armenian Weekly Online* (February 2001), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

"ANCA Testifies Before Congressional Foreign Aid Committee," *The Armenian Weekly Online* (April 2001), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

Auron, Yair, "Foreign Ministers Comments are Israeli Shift to Active Denial," *The Armenian Weekly Online* (May 2001), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

"Bush Breaks Pledge to Recognize Armenian Genocide," *The Armenian Weekly Online* (May 2001), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

"Chronology of Recent Events in Nagorno-Karabagh (1986-1996), Armenian Assembly of America Website, www.aaainc.org.

Cook, Mary C., "An Interview with ARAMAC's Grassroots Director Nancy Yerian Hiteshue," *Via Dolorosa Magazine*, www.via-dolorosa.org, pp. 1-3.

Dasnabedian, Hratch, "ARF History: The Realm of Ideas and the Evolution of Programmatic Objectives," ARF Website, www.arf.am, (downloaded on 7/19/01).

Kasbarian, Antranig, "Planting Roots in Nagorno Karabagh," *The Armenian Weekly Online* (June/July 2000), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

Papas, Lisa Boghosian, "People and Programs: The New Generation Taking Cues from their Ancestors, Young Armenians Shaking the Scene," pp. 1-8, The AGBU website, www.agbu.org.

"Position Papers: Armenian Genocide Commemoration," ANCA website, www.anca.org.

"Position Papers: Cutting US Aid to Turkey," ANCA website, www.anca.org.

"President of Armenia Bans Leading Opposition Party," ARF website, www.arf.am.

"Reps ask congress to withhold US taxpayer funding for Caspian pipeline projects unless they include Armenia," ANCA website, www.anca.org.

Sadar, Alex, "Year of Victories and Lessons for Hai Tahd," *The Armenian Weekly Online* (April 2001), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

"Several US States Recognize the Armenian Genocide," *The Armenian Weekly Online* (March 2001), <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>.

وب سایت ها

AGBU website, www.agbu.org

ANCA website, www.anca.org

The ARF website, www.arf.am

The Armenian Relief Society (ARS) website, www.ars.org

The Armenian Assembly of America website, www.aaainc.org

The Armenian-American Democratic Leadership Council, www.aadlc.org

The Armenian National Institute, www.armenian-genocide.org

The Armenian-American Republican Council, <http://members.aol.com/aarc2000/info.html>

Azbarez Armenian Daily Newspaper, www.asbarez.com

The Zoryan Institute, www.zoryan.org

مصاحبه ها

Email correspondence with Grace Kehetian Kulegian, Executive Director, ANCA Eastern Region Office, (5/18/01).

Interview with Khachig Tololyan, professor of English Literature at Wesleyan University, Connecticut, former ARF activist, (7/20/01).

Interview with Khatchik Der Ghoukassian, ARF activist, (7/20/01).

Interview with PR spokesperson from Congressman Knollberg's Washington, DC office, (8/14/01).

Interview with Jon Lenicheck, point person for Armenian Affairs, Congressman Capuano's Cambridge, MA office, (8/15/01).

Correspondence with the Armenian General Benevolence Union of New York, (8/20/01)—declined interview.

Correspondence with Dr. Charbazian of the Zoryan Institute, (09/01).

Correspondence with the Armenian Assembly of America, (11/01).

پی نوشت های داخل متن:

¹ - Divided They Conquer: The Success of Armenian Ethnic Lobbies in the US

² - دارای PH.D علوم سیاسی با گرایش روابط بین الملل و مطالعات امنیتی از دانشگاه MIT امریکا.

³ - آمار در مورد ارمنه امریکا بسیار متفاوت است. برای مثال خاچینگ تولییان جمعیت 800000 نفری را عنوان می کند، رابرت هاوسن در سال 1980 تنها جمعیت 308096 را تخمین می زند. یوسی شاپین نیز جمعیتی در حدود 1 میلیون نفر را پیش بینی می کند.

⁴ - David Rieff, "Case Study in Ethnic Conflict," *Foreign Affairs*, (March/April 1997), pp. 118-126.

⁵ - Samuel P. Huntington, "The Erosion of National Interests," *Foreign Affairs* (September/October 1997) pp. 28-40.

⁶ -Huntington, pp. 31-32.

⁷ - Huntington, p. 35.

⁸ - Arthur M. Schlesinger, Jr., *The Disuniting of America: Reflections on a Multicultural Society* (New York: WW Norton, 1992).

⁹ - Tony Smith, pp. 1-2.

¹⁰ - Smith, p. 86. Walker Connor, "Diasporas and the Formation of Foreign Policy: The US in Comparative Perspective," pp. 167-179, in *Diasporas in World Politics: The Greeks in Comparative Perspective*, edited by Dimitri C. Conostas and Athanassios G. Platias (London: Macmillan in association with The Institute of International Relations, Panteion University, 1993).

¹¹- Smith, pp. 94-110.

¹²- Shain, p. 25.

¹³- Shain, chapters one and two.

¹⁴ - Michael Clough, "Grass-Roots Policymaking: Say Good-Bye to the 'Wise Men,'" *Foreign Affairs* (January/February, 1994) pp. 2-8.

¹⁵ - Smith, p. 124.

¹⁶ - *Diasporas in World Politics: The Greeks in Comparative Perspective*, edited by Dimitri C. Conostas and Athanassios G. Platias (London: Macmillan in association with The Institute of International Relations, Panteion University, 1993).

¹⁷ - این افراد بر روی لابی اسرائیلی کار کرده اند: - Edward Tivnan, *The Lobby: Jewish Political Power and American Foreign Policy* (New York: Simon and Schuster, 1987), David Mittelberg, *The Israel Connection and American Jews* (Westport and London: Praeger, 1999), and Robert H. Trice, *Interest Groups and the Foreign Policy Process: US Policy in the Middle East* (Beverly Hills and London: Sage Publications, 1976), to name a few.

¹⁸ - David Howard Goldberg, *Foreign Policy and Ethnic Interest Groups: American and Canadian Jews Lobby for Israel* (New York: Greenwood Press, 1990).

¹⁹ - Akaby Nassibian, *Britain and the Armenian Question, 1915-1923* (New York: St. Martins Press, 1984), p. 18, and Hratch Dasnabedian, "ARF History: The Realm of Ideas and the Evolution of Programmatic Objectives," ARF website, <http://arf.am/English/history>, downloaded (7/19/01).

²⁰ -Also transliterated *Tashnaksutiun*

²¹- Nassibian, p. 18, and Dasnabedian, pp. 1-2.

²² - Jenny Phillips, *Symbol, Myth, and Rhetoric: The Politics of Culture in an Armenian-American Population* (New York: AMS Press, 1989), p. 119.

²³- Phillips, p. 120.

²⁴ - Anny Bakalian, *Armenian-Americans: From Being to Feeling Armenian* (New Brunswick: Transaction Publishers, 1993). Both Bakalian and Phillips describe the split as "pro- and anti-ARF (Tashnag)." Bakalian, p. 94 and Phillips, p. 119.

²⁵- Phillips, p. 119 and Bakalian, pp. 94-95. Bakalian argues that there was also a silent majority of neutrals, or *chezok*, that, although not playing into the partisan politics, still fell under the anti-*Tashnag* [ARF] banner, p. 95.

²⁶- کلیسای ارتدوکس ارمنی در سال 301 میلادی با گرایش پادشاهی ارمنستان به مسیحیت تاسیس گردید. این کلیسا به عنوان شاخه ای مستقل از مسیحیت ارتدوکس شکل یافته است. در طی دهه 19 کاتولیک های رومی و مسیونرهای پروتستان جامعه ارمنه را به مذهب خود برگرداندند. توافقی در مورد درصد هر یک از مذاهب وجود ندارد، اما باکالیان ارمنه آمریکا را بدین صورت تخمین می زند: 64 درصد ارتدوکس، 9.7 درصد پروتستان، 3.8 درصد کاتولیک رومی، و 22 درصد از مذاهب دیگر.

²⁷- Mesroh Ashjian, *The Armenian Church in America* (New York: Armenian Prelacy, 1985) p. 16.

²⁸- Phillips, pp. 128-130.

²⁹- Phillips, pp. 143-154 and Bakalian, p. 97.

³⁰ - Phillips, p. 131.

³¹- Nasibian, Chapter 1, "Britain and the Armenian Question on the Eve of the First World War." For a summary of Armenian charities in the US, see Robert Mirak, *Armenians In America, 1890 to World War 1* (Cambridge: Harvard University Press, 1983) p. 173-174.

³²- گزارش ها نشان می دهد که هم اکنون اتحادیه خیرخواهی عمومی ارمنه اعانه ای در حدود 300 میلیون دلار را جمع آوری می کند.

³³ - Mirak, pp. 175-176. See also the AGBU website, www.agbu.org.

³⁴- فیلیپس عنوان می کند که اتحادیه خیرخواهی عمومی ارمنه یک موسسه خیریه و تربیتی است و وفاداری آن به کلیسای ارمنستان و اتچمازدین حفظ شده است.

³⁵- گرچه با مروری که نویسندگان این مقاله انجام دادند یک عضو دانشناکسیتیون اصرار داشت که نهاد صلیب سرخ ارمنه و ARS سیاسی نیستند.

³⁶- The AYF Legacy: Portrait of a Movement in Historical Review, 1933-1993 (Watertown: Armenian youth Federation, 1994).

³⁷ - www.aainc.org, and AGBU's website, www.agbu.org.

³⁸- شعبه های مختلفی از کلیساها در امریکا و ایالات متحده در جمع آوری پول برای ارامنه مهاجر فعال بوده اند. برای مثال:

-International Golden Rule Sunday

-Save the Starving in Bible Lands

-Churches of America and Near East Relief Ecumenical Cooperation

³⁹ - James L. Barton, *The Story of Near East Relief (1915-1930): An Interpretation*, (New York: The Macmillan Company, 1930), Chapter 1 "How and Why it Began."

⁴⁰ - Nassibian, pp. 40-50, 58-61 and Mirak, pp. 68-70.

⁴¹- Mirak, p. 44.

⁴²- Mirak, pp. 66-68.

⁴³- Roger R. Trask, *The United States Response to Turkish Nationalism and Reform, 1914-1939* (Minneapolis: University of Minnesota Press, 1971) pp. 37-38.

⁴⁴ - Trask, pp. 49-51.

⁴⁵ - Trask, pp. 54-60.

⁴⁶ - Phillips, p. 104.

⁴⁷- ibid

⁴⁸ - Bakalian, p. 11.

⁴⁹ - See Bakalian, p. 11.

⁵⁰- Khachig Tololyan, "Cultural Narrative and the Motivation of the Terrorist," in *The Journal of Strategic Studies*, vol. 10 no. 4 (Dec. 1987), pp. 217-233.

⁵¹- Tololyan, "Terrorist," pp. 226-229.

⁵² -"Armenian Terrorism: That Beirut Virus," *The Economist*, August 14, 1982, p. 46, and "The dream and the terror," *The Economist*, July 23, 1983, p. 51, respectively.

⁵³- Bakalian, pp. 153-154. See also "UnArmenian Activities," *The Economist*, February 6, 1982, p. 20.

⁵⁴ -Interview with Dr. Khachig Tololyan and Khatchik Der Ghoukassian, 7/20/01.

⁵⁵-Garo Adanalian, "Pursing the Armenian Cause in the 21st Century: An Intervie w with Sharistan Ardhaldjian [of ANCA]," *The Armenian Weekly Online*, (May 2001), <http://free.freespeech.org/armnenian/weekly/may> (downloaded 7/22/01).

⁵⁶- "About the Armenian Assembly," Armenian Assembly of America website,

<http://www.aainc.org/overview> (downloaded on 7/22/01).

⁵⁷ -Rachel Anderson Paul, "Grassroots Mobilization and Diaspora Politics: Armenian Interest Groups and the Role of Collective Memory," *Nationalism and Ethnic Politics*, Vol. 6, No. 1, (Spring, 2000), pp. 24-47.

⁵⁸ -Morton H. Halperin, *Bureaucratic Politics and Foreign Policy*, Chapter 3, "Organizational Interests" (Washington, DC: The Brookings Institute, 1974).

⁵⁹-Adanian, p. 1

⁶⁰ - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, "Message from the Chairman of the Board of Trustees," pp. 2, 25. The Armenian Assembly of America website, www.aaainc.org/overview (downloaded on 7/22/01).

⁶¹- *Armenian Assembly of America: Membership Spotlight 2000*, p. 17, www.aaa.inc.org (downloaded on 7/22/01).

⁶²- *Armenian Assembly of America: Membership Spotlight 2000*, p. 17, www.aaa.inc.org (downloaded on 7/22/01).

⁶³ - Phillips, p. 111.

⁶⁴ - Adanian, p. 1 and Hratch Dasnabedian, "The Evolution of the National and Political Objectives of the ARF," p. 3, www.arf.am (downloaded on 7/19/01).

⁶⁵- Dasnabedian, pp. 2-3.

⁶⁶- Adanian, p. 1.

⁶⁷ -The ANCA website, www.anca.org

⁶⁸ - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 3.

⁶⁹- *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 2.

⁷⁰- *ibid.*

⁷¹- *AGBU Biennial Report, 1998-1999*.

⁷²- Adanian, p. 2.

⁷³ -"Chapter Contacts," pp. 3-4, The ANCA website, www.anca.org (downloaded 7/22/01).

⁷⁴- Alex Sadar, "A Year of Victories and Lessons for Hai Tahd," in *The Armenian Weekly Online* (March, 2001) <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded 7/22/01).

⁷⁵ - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*.

⁷⁶ - This project alone boasts 6,000 donors, *Armenian Assembly Annual Report 2000*, pp. 22-23.

⁷⁷- *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 3.

⁷⁸- "ANCA profile," p. 1, The ANCA website, www.anca.org, (downloaded 3/11/01).

⁷⁹- Adalian, p. 2.

⁸⁰ - "ANCA Offices and Chapters," p. 1, The ANCA website, www.anca.org (downloaded on 3/11/01).

⁸¹- Bakalian, p. 140.

⁸² - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 7.

⁸³- Adalian, p. 1.

⁸⁴ - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 3.

⁸⁵- *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 3.

⁸⁶- *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 3.

⁸⁷ - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 3.

⁸⁸ - ANCA website, www.anca.org, (downloaded 3/11/01).

⁸⁹ - Adalian, p. 3.

⁹⁰ - www.asbarez.com,

⁹¹ - "President of Armenia Bans Leading Opposition Party," ARF website, www.arf.am/English/History,

⁹² - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 10. See also Mary C. Cook, "An Interview with ARAMAC's Grassroots Director Nancy Yerian Hiteshue," pp. 1-3, *Via Dolorosa Magazine*, www.via-dolorosa.net, (downloaded on 8/9/01).

⁹³- www.aaainc.org/links.htm

⁹⁴ - www.armeniangenocide.org/

⁹⁵- *AGBU Biennial Report, 1998-1999*, p. 8

⁹⁶- *AGBU Biennial Report, 1998-1999*, p. 8

⁹⁷-www.zoryan.org

⁹⁸- *ibid*

⁹⁹ - *ibid*

¹⁰⁰ - Quote taken from Bakalian, p. 143

-
- ¹⁰¹- *Armenian Assembly of America Annual Report*, p. 24. See also ANI's website, www.armeniangenocide.org.
- ¹⁰² - *ibid*
- ¹⁰³ - *The AYF Legacy*, p. 5.
- ¹⁰⁴- *The AYF Legacy*, Chapter 1 "The AYF at 60: A pictorial history of the AYF," pp. 3-23.
- ¹⁰⁵- Adanalian, p. 2.
- ¹⁰⁶ - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 19
- ¹⁰⁷ - *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 19
- ¹⁰⁸- *AGBU Biennial Report, 1998-1999*, p. 6.
- ¹⁰⁹- *AGBU Biennial Report, 1998-1999*, p. 6.
- ¹¹⁰- *AGBU Biennial Report, 1998-1999*, p. 6.
- ¹¹¹- *AGBU Biennial Report, 1998-1999*, p. 6.
- ¹¹²- Bakalian, p. 162.
- ¹¹³- www.agbu.org
- ¹¹⁴- Bakalian, p. 141
- ¹¹⁵- "Eastern Europe's Diasporas: The Homecoming," *The Economist*, December 26, 1992, pp. 73-80.
- ¹¹⁶ "Congressional Caucus on Armenian Issues," p. 1, The Armenian Assembly of America website, www.aaainc.org, (downloaded on 7/22/01).
- ¹¹⁷ *Ibid* and the *Armenian Assembly of America Annual Report 2000*, p. 5.
- ¹¹⁸ نك ضميمه الف
- ¹¹⁹ The AADLC website, www.aadlc.org, (downloaded on 7/22/01).
جمهوري خواهان ارمني در وبسائيتشان به هيچ يك از گروههاي لابي لينك نداده اند
<http://members.aol.com/aarc2000/info.html>, (downloaded on 8/8/01).
- ¹²⁰ Correspondence with ANCA ER office, (5/18/01).
- ¹²¹ Sadar, p. 1, and *The Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, pp.2-3.
- ¹²² David B. Boyajjian, "Genocide Acknowledgement: Why Turkey and the State Department Fear It," *The Armenian Weekly Online*, March 2001, pp. 1-2, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 7/22/01).

¹²³ "Position Papers: Armenian Genocide Commemoration," ANCA website, www.anca.org (downloaded on 3/11/01).

¹²⁴ "Bush Breaks Pledge to Recognize Armenian Genocide," *The Armenian Weekly Online*, May 2001, p. 2, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 7/22/01).

¹²⁵ "ANCA Issues Statement on Genocide Resolution," *The Armenian Weekly Online*, February 2001, p. 5, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 7/22/01).

¹²⁶ "Several US States Recognize the Armenian Genocide," *The Armenian Weekly Online*, April 2001, p. 1, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 7/22/01).

¹²⁷ *Sadar*, p. 2.

¹²⁸ Yair Auron, "Foreign Minister's Comments are Israeli Shift to Active Denial," *The Armenian Weekly Online*, May 2001, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 7/22/01).

¹²⁹ *The Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 2.

¹³⁰ *The Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 24.

¹³¹ *ibid.*

¹³² *ibid.*

¹³³ *The Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 14.

¹³⁴ "Bang goes another republic," *The Economist*, February 27, 1988, p. 39 and Bakalian, p. 100.

¹³⁵ نام ارمني قاراباغ آرتساک (Artsakh) میباشد.

¹³⁶ "As the sparks fly upward from Nagorno-Karabakh," *The Economist*, March 5, 1988, p. 49.

اکنونمیست شرح میدهد که بین آمار رسمی اعلام شده از طرف اتحاد جماهیر شوروی و شاهدان عینی (The Sumgait Tragedy: Pogroms Against Armenians in Soviet Azerbaijan: Volume 1, Eyewitness Accounts, compiled and edited by Samvel Shahmuratian, translated by Steven Jones (New Rochelle and Cambridge: Aristide D. Caratzas and Zoryan Institute, 1990)

¹³⁷ "Enter the army," *The Economist*, January 20, 1990, p. 47.

¹³⁸ Rieff, p. 118. Including Nagorno Karabakh, the Armenians hold 20% of Azerbaijan.

¹³⁹ "Chronology of Recent Events in Nagorno-Karabagh (1988-1996), p. 5, www.aaainc.org, (downloaded on 7/22/01).

¹⁴⁰ "Pursuing the Armenian Cause," *The Armenian Weekly Online*, p. 5, May 2001, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 7/22/01).

¹⁴¹ *ibid.*

¹⁴² Especially while the ARF was banned in Armenia from 1994 to 1998, see Rieff, p. 123. See also "Eastern Europe's Diasporas: The Homecoming," *The Economist*, pp. 73-80, December 26, 1992, pp. 77-79.

¹⁴³ مونته ملکانیان (Monte Melkianian) ارمنی-آمریکایی برای آزادی ناگورنو قاراباغ مبارزه کرد و سرانجام در جنگ کشته شد. او از قهرمانان معاصر قاراباغ به حساب می آید، نک Rieff, p. 123

¹⁴⁴ "Nagorno-Karabakh: What we have we (mostly) hold," *The Economist*, September 21, 1996, p. 53 and

Antranig Kasbarian, "Planting Roots in Nagorno Karabakh," pp. 1-8, *The Armenian Weekly Online*, p. 5, June/ July 2001, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 8/8/01).

¹⁴⁵ *Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 8.

¹⁴⁶ *Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 4.

¹⁴⁷ PL 102-511, "Freedom for Russia and Emerging Eurasian Democracies and Open Markets Support Act of 1992," taken from *Congressional Universe*, <http://web/lexis-nexis.com>.

¹⁴⁸ "Section 907 of the Freedom Support Act," Armenian Assembly of America Website, www.aaainc.org, (downloaded on 8/7/01).

¹⁴⁹ Smith, p. 14 and "Armenian...and presidents go," *The Economist*, February 7, 1998, p. 54.

¹⁵⁰ Also called the Brownback Amendment. See "HR 2867: The Silk Road Strategy Act of 1997, 105th Congress," and "S.579, The Silk Road Strategy Act of 1999, 106th Congress," *Congressional Universe*, *Congressional Universe*, <http://web/lexis-nexis.com>. Also available as "Congressional Record, Wednesday, June 30, 1999," pp. 1-5, posted on the Assembly's website, www.aaainc.org (downloaded on 7/22/01).

¹⁵¹ The vote was 53 in favor of the McConnell Amendment, which keeps Section 907 in place, and 45 opposed, "Congressional Record," p. 32.

¹⁵² "S. 1521 Bill Tracking Record," *Congressional Universe*, <http://web/lexis-nexis.com>.

¹⁵³ "Lowey, Knollenberg, and Pallone, Call upon Congress to Revisit Presidential Section 907 Waiver Authority in FY 2003 Foreign Aid Bill," Armenian National Committee of America website, www.anca.org, (downloaded on 7/9/02).

¹⁵⁴ "President Bush Waives Section 907," Armenian National Committee of America website, www.anca.org, (downloaded on 7/9/02).

¹⁵⁵ "ANCA testifies before Congressional Foreign Aid Committee," *The Armenian Weekly Online*, p. 2, April 2001, <http://free.freespeech.org/armenian/weekly> (downloaded on 7/22/01).

¹⁵⁶ *The Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 5.

¹⁵⁷ "Final Vote Results for Roll Call 447: HR 4569," September 17, 1998, *Roll Calls for the House 105th Congress*, <http://thomas.loc.gov>. نك ضميمه الف

¹⁵⁸ نك نمودار ب

¹⁵⁹ Bakalian, p. 161.

¹⁶⁰ "Armenia lives," *The Economist*, May 23, 1992, p. 54.

¹⁶¹ *Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 4.

¹⁶² "Lowey, Knollenberg, and Pallone, Call upon Congress to Revisit Presidential Section 907 Waiver Authority in FY 2003 Foreign Aid Bill," Armenian National Committee of America website, www.anca.org, (downloaded on 7/9/02).

¹⁶³ "ANCA Testifies before Congressional Foreign Aid Committee," p. 1.

¹⁶⁴ "Lowey, Knollenberg, and Pallone, Call upon Congress to Revisit Presidential Section 907 Waiver Authority in FY 2003 Foreign Aid Bill," Armenian National Committee of America website, www.anca.org, (downloaded on 7/9/02).

¹⁶⁵ *Armenian Assembly of America Annual Report, 2000*, p. 4.

¹⁶⁶ *AGBU Biennial Report, 1998-1999*, p. 3.

¹⁶⁷ *Armenian Assembly Annual Report 2000*, p. 20.

¹⁶⁸ *Armenian Assembly Annual Report 2000*, p. 20

¹⁶⁹ "Position Papers: Cutting US Aid to Turkey," ANCA Website, www.anca.org, (downloaded on 3/11/01).

¹⁷⁰ *ibid.*

¹⁷¹ ريس (Reps) از كنگره ايالات متحده خواست كه از سرمايه گذاري در طرح خط لوله نفتي تا زمانيكه ارمنستان را هم در آن دخالت نداده اند خودداري نمايد، pp. 1-2, ANCA website, www.anca.org, (downloaded 8/8/01).

الكساندر رهر (Alexander Rahr) بحث ديگري را پيش ميكشد و ادعا ميكند كه استراتژي جديد ايالات متحده همكاري با روسيه و در نهايت ايران به خاطر نفت درياي خزر ميباشد و به همين علت دولت بوش با هزينه هاي گزاف خط لوله باكو-جيهان را قبول کرده است. "Caspian Oil," *Transatlantic Internationale Politik*, (2/20/01) pp. 80-84

¹⁷² "Caspian pipeline project," ANCA website, p. 2.